



مؤسسه کارگران انقلابی ایران، تهران

پیام کارگر

گفت و شنید
Hannover

شماره ۴۴
۱۳۶۱

هوا معادل ۶۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه اول خرداد ۱۳۶۸

پارلمان اروپا برای مردم ایران حکومت تعیین میکند

یک جریان سرکوبگر، ارتجاعی و ضددمکراتیک نیز بدعوت میکنند.

درواقع نیزکنه مسئله در همین جا است. پارلمان اروپا تا جایی که به محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران می پردازد، تا جایی که نسبت به اعدا مهاجرت اعتراض میکند و تا جایی که خواهان برقراری دموکراسی در ایران میشود، نمی تواند مورد حمایت هر ایرانی که برای آزادی و دموکراسی، و برای حقوق اجتماعی و مدنی مردم پیشکام میبندد، قرار نگیرد. روشن است که این اقدامات با عدم موافقت با اهداف و اصول انقلابی قرار گرفته و بمنزله انحراف از اهداف و اصول انقلابی برای وادار کردن وی به عقب نشینی و بنا براین بهبود شرایط عمومی بیکار و توده ها، بکار گرفته شود. اما اکنون نمایندگان رای دهنده پارلمان اروپا که بخش بزرگی از آنها را نمایندگان احزاب سوسیالیست و سوسیال دمکرات تشکیل میدهند به خود اجازه داده اند تا علاوه بر محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر نقض دموکراسی یک نیروی ارتجاعی بدعوت میکنند.

پارلمان اروپا در اجلاس عمومی خود در تاریخ ۲۴ ماه مه سال جاری با تصویب قطعنامه ای با اکثریت ۳۵۵ رای از مجموع ۵۱۸ نماینده، رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نموده و از کشورهای عضو سازمان مشترک میخواستند که شورای ملی مقاومت تحت رهبری مسعود رجوی را بعنوان نماینده مسردم ایران به رسمیت بشناسند. با این اقدام، سازمان مجاهدین که مدتهاست در مناسبات دیپلماتیک خود با غرب خواهان پذیرفته شدنش بعنوان آلترناتیو رژیم اسلامی است و پس از اخراج رجوی از فرانسه و کنستپای نظامی در مرز ایران و عراق و کرایش غرب به استحاله رژیم اسلامی و مردان معتدل آن نظیر فرستگانی، در این راه در مجموع ناکام شده بود. به یک پیروزی و لغو نمایی دیپلماتیک دست یافتند بدین وسیله البته آشکار شد که حضرات طرفداران حقوق بشر در اروپا، هر جا که پای حقوق اساسی سرما به داری، یعنی آئینده یا از یک کشور ۵۵ میلیونی در میان باشد، اروپای متحد و دمکرات را به دفاع از

در صفحه ۲

دفاع از زنان زندانیان سیاسی زن

بدعوت جمعی از زنان ایرانی در برلین، در دفاع از ۸۳ نفر از زندانیان سیاسی که خطرات عمده زندگی آنها را تهدید میکند، نشست مشترکی با زنان مترقی آلمانی تشکیل شد. از جمله تصمیمات این نشست، سازماندهی یک آکسیون اعتراضی جلوی پارلمان برلین در روز دوشنبه ۸ ماه مه بود که در آن بیش از ۱۰۰ نفر شرکت کردند. نمایندگان این جمع از زنان ایرانی و آلمانی، قطعنامه آکسیون را به نماینده حزب DSA دادند. در ضمن قرار گردید که یک کنفرانس مطبوعاتی بدعوت همین حزب تشکیل شود. در همین روز، راديو SFB و همچنین راديو "صد برلین"، سخنان و زندانیان سیاسی معارضه کردند. و علاوه بر آن، گزارشی از وضعیت زندانیان سیاسی زن در ایران را پخش نمود.

در این شماره:

مصاحبه با نماینده کنگره ملی آفریقا
بخش دوم در صفحه ۱۰

پیام آوران رنج و امید
در حاشیه کنسرت موسیقی سنتی
و محلی ایران در کلن
در صفحه ۶

گزارش کنسرت شجریان
و علیزاده در برلین غربی
در صفحه ۷

نقد کتاب
زیبا، اما نه چندان بجا
نقدی بر کتاب "پرواز در چاه"
در صفحه ۸

اطلاعیه مطبوعاتی:

درباره مرگ خمینی

صفحه ۱۶

منتظری زدانی همچنان ادامه دارد

دربی برکناری منتظری از مقام "ناشیب امام"، منتظری زدانی در سطح وسیع در جامعه نیز آغاز شد. ابتدا عکسهای وی را از کناره عکسها و خمینی پایشین کشیدند و بدینال آن مقالات، سخنرانیها و مصاحبه ها علیه او در مطبوعات پدیدار گردیدند. روزنامه کیپا نیز که از سال گذشته "سلسله بحثهای منتظری" را روزانه چاپ میکرد، به قطع آن اقدام نمود. نمایندگان منتظری از ادارات و دانشگاهها اخراج شدند و بسیاری از طرفدارانش در سباه و کمیته ها دستگیر. دفتر او در شهرستانها تعطیل و اخبار حسابهای بانکی وی نیز بسته شد و این امر همچنان در چاه رجوی بحرانی که حاکمیت رژیم را در بر گرفته ادامه دارد.

تلگرام اعتراضی به پارلمان اروپا

رئیس پارلمان اروپا، استرا سبورگ آقای محترم. ضمن بشتیباتی از محکومیت حکومت اسلامی در پارلمان اروپا به دخالت پارلمان شما در تعیین جانشین حکومت ایران که جز نقض حقوق اولیه مردم مملکت ما نیست شدیداً اعتراض میکنیم. مردم ایران هیچگاه خواهان استقرار حکومت سازمانی که کوچکترین اعتقادی به دمکراسی ندارد بجای دیکتاتور مذهبی کنونی نیستند.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر)
۲۶ مه ۱۹۸۹

ناتو: میلیتاریسم در تنگنا
در صفحه ۱۲

علیه اعدا و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

اعتراضات دانشجویی گسترش می یابد

تشنج در دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور را دربر گرفته است. تشنجات و اعتراضاتی که به سرعت رنگ سیاسی بخود میگیرند و به اشکال عالی مبارزاتی مبدل میشوند. خرد کردن شیشه ها، تحریم غذا، تحریم کلاس و... برای خواسته های صنفی و سیاسی بگونه ای وسیع صورت میگیرد.

دانشگاه همدان: روز ۱۶ اردیبهشت دانشجویان استفاده از سلف سرویس (سالن غذاخوری) را تحریم میکنند. **دانشگاه ملی:** در حرکتی اعتراضی وسایل سلف سرویس شکسته میشود.

دانشگاه علوم پزشکی: کلاسهای ۳ روز متوالی تحریم میشوند و این اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته های متنوع دانشجویان است.

دانشگاه شیراز: افزایش قیمت های زتون، غذا، تحریم غذا خوردن در دانشگاه و متعاقب آن تظاهراتی محدود را همراهی آورد.

خواستهای دانشجویان بطور عمده در محورهای زیر خلاصه میشود.

۱ - صنفی، همچون پذیرش کمتر دانشجویان در کلاسها نبود مکانات کافی آموزشی و رفاهی، ارتقاء سطح آموزش از طریق استفاده از استادان خارجی، اختصاص بوده های بیشتر به مسائل دانشجویی، دریافت کتاب و لوازم التحریر از زبان قیمت، کاهش قیمت غذا و سایر لایحه کیفیت آن، افزایش خوابگاه و در اختیار قرار دادن اتاق به دانشجویان شهرستانی، انتخابات آزاد برای انتخاب نماینده، اجازت تشکیل گروه های صنفی، رفع محدودیتها در مورد دختران و بیمران و از آن جمله مخالفت با جدا کردن کلاسها و بخشهای آموزشی و... .

۲ - سیاسی، که علنی بیان نمیشود و بصورت شعاری-نویسی درجای مختلف ویا بطور مخفی طرح میشود شامل، آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به شکنجه و اعدام، انحلال انجمن اسلامی و جبهه دانشگانی آزادی بیان در دانشگاه و مصونیت دانشجویان از تحت تعقیب قرار گرفتن به دلیل مخالفت با انجمن اسلامی ویا دلائل مشابه.

پارلمان اروپا برای مردم ایران حکومت تعیین میکند

به وسط معرکه پریده و با بدست گرفتن شعار دادند که **ایران در سازمان ملل به شورای ملی مقاومت**، به جمع آوری امضاء و دادن تضمین های سیاسی به حاکمان غربی خود پرداخت. صدور قطعنامه های پارلمان اروپا با مضمون بر رسمیت شناخته شدن مجاهدین به عنوان نماینده مردم ایران، اولین و مهمترین نتیجه دور جدید تحریک دیپلماتیک این سازمان است که معنی روشنی دارد: کشورهای اروپایی و غربی بطور کلی، کما فی السابق از مجاهدین به عنوان اهرم فشار و جماقی تهدید استفاده کرده تا جمهوری اسلامی را مجبور به عقب نشینی و دادن امتیاز و "میانبر" شدن بکنند. این اقدام اما اکنون از طریق یک پارلمان که اهمیت صورت میگیرد تا جمهوری اسلامی که در چند ماه گذشته یک رشته تغییرات اساسی در ساخت حکومتی خود خواهد داد، حاصل میگردد و این اقدام، نقش مجاهدین در این بازی آلترناتیو، برخلاف آنچه که اینها به عنوان "پیروزی" از آن نام میبرند، چیزی بجز نقش لولوی سرخرمن نیست. مجاهدین عرق ریزان و التماس دعا گویان، همه نیروهای خود را به پای بر رسمیت شناخته شدن به عنوان نماینده مردم ایران از سوی غرب، صرف میکنند، اما از آن غافلند که حریف زیرک در سبدهای خود مهربان های ریز و درشت متعددی دارد که تنها یکی از آنها، یعنی مهربان و مسعود، امروزه با بزرگترین شده و تا پذیرد با به کناری انداخته شود!

اما آن جنبه از تصمیم پارلمان اروپا که به تعیین تکلیف برای ایران و سر نوشت سیاسی آن مربوط میشود، از جانب ما محکوم است. هیچکس حق ندارد برای مردم ما نماینده تعیین کند هیچکس حق ندارد هیچ نیرویی را بعنوان تشنه نماینده مردم ایران معرفی کند، بویژه آنهم در کشوری که مردم آن امکان ایراد از آنها اعتقادات خود و انتخاب نمایندگان خود را نداشته و ندارند. در کشور استبداد دزدان تریک فقها، نمایندگان مردم در راس بیچارگی دمکراسی، نان و آزادی- بیچارگی که در آن سازمانها مینشینند شرکت ندارند. قرار گرفته و تنها این جنبش میتواند آنها را تعیین کند. ما از همه ایرانیان آزاده و دموکرات، و از همه سازمانهای سیاسی دعوت میکنیم که با اعتراض وسیع و همه جانبه خود به نمایندگانی پارلمان اروپا، به شدت با رای این نمایندگان و تلاش ارتجاعی ضد دمکراتیک آنها برای تعیین حکومت آینده ایران مخالفت کرده و آن را افشاء کنند.

فد مکرراتیک را که به **صراحت** داده برقراری یک دیکتاتوری فردی فاشیست مآبانه دیگر در ایران دارد. بعنوان تنها نماینده مردم این کشور معرفی کنند، این اقدام بیباک نگرچه اهدائی است و در شرایط کنونی به چه معنی است؟

تردید نیست که کارزار حقوق بشر و دفاع از دمکراسی که از سوی کشورهای غربی بکار گرفته میشود به خاطر ادرات این کشورها به مردم تحت استبداد دویی حقوق کشورهای دیگر نیست، بلکه اساساً اقدامی است در جهت رفیع مردم کشورهای گوناگون است. با انقلاب، شرایط بهره کشی سرمایه دارانه و مناسبات اقتصادی با غرب در دراز مدت به خطر افتد، در مورد جمهوری اسلامی نیز کشورهای با زار مشترک اروپا، ضمن داشتن روابط اقتصادی و سیاسی کم و بیش حسنه با آن، از محکوم کردن آن توسط نهاد های سیاسی ای که مصوبات آنها اجباراً جرائی ندارند، نظیر پارلمان اروپا، خودداری نکرده و تا نما فشار سیاسی مستقیم و غیر مستقیم را با مناسبات اقتصادی و سیاسی عادی همراه کرده اند. این سیاست پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران نیز متناسب با شرایط به پیش برده شد. در آن زمان، با زار مشترک بهترین راه حل استحال رژیم، یعنی معقول شدن نسبی وی بلحاظ مناسبات با غرب دانسته و به آلترناتیوهای مثل مجاهدین کم مهربی مینمودند بویژه که آلترناتیو، با قربانی کردن همه چیز خود نتوانست راه مهران به شهران را آنطور که ادعا میکرد پیچوده و به کسب سریع قدرت موفق شود، بلکه بر عکس با تحمل شکستی نظامی و سیاسی، بیش از پیش از اعتبار افتاد. طرح استحال رژیم که راه چاره غربی نور امید بسیار از "زمین پرستان" و "دموکرات"ها و حتی با ملاحظه "چپها" بود، اما ناشی از یک ارزیابی عینی بر اساس تعادل قوای جناحهای مختلف رژیم و وضعیت عمومی سیاسی نبود و با روشن شدن همه جانبه، شوهر استحال که با قتل عام زندانیان سیاسی و سپس صدور فتوای قتل سلمان رشدی، وضوح انگارنا پذیری یافت، سازمان مجاهدین که در دور قبلی بویژه در دعوی استحال چپها و رژیم، به شیوه همیشگی ارتعاب و تهدید، درماندگی و شکست مهلک سیاسی در بازی آلترناتیو، یعنی بازی تعیین بهترین مهربان و نیروی غرب بسرای آینده ایران برآید به نمایش گذاشته بود، جست و خیز کنان دوباره

منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه
شماره ۱

مرگ پر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

۱۳/۵ درصد کاهش در ارزش صادرات غیرنفتی

● رژیم اعلام نمود که ارزش صادرات غیرنفتی ایران حدود ۱۳/۵ درصد، در مقایسه با سال قبلی، کاهش داشته است. این کاهش در شرایطی صورت گرفته است که سال قبل رژیم علاوه بر صادرات کالاهای نفتی مقدار متناهی کالاهای غیرنفتی دیگر را مل میوه، تره بار، ... صادر کرده است.

جمهوری اسلامی در طی سال گذشته جمعاً ۱۱۲۳ هزار تن کالاهای غیرنفتی به ارزش ۹۷۱ میلیون دلار صادر نموده است و در مقابل ۱۳ میلیارد دلار انواع کالا و اجناس به کشورهای دیگر صادر کرده است که مقدار قابل ملاحظه‌ای از این مبلغ بصورت "بوزانس" (واسطه‌ای اعتباری موقت) از چند کشور اروپایی صورت گرفته. در همین حال رژیم اعلام نمود که طی سال گذشته توانسته است از طریق صادرات نفت خام مبلغ ۱۱/۸ تا ۱۲/۵ میلیارد دلار از واردات کشور کند که نسبت به سال گذشته افزایش نشان میدهد.

هم‌اکنون جمهوری اسلامی روزانه ۲/۷ بشکه نفت خام تولید میکند که از این مقدار ۱/۹ میلیون بشکه به خارج صادر میگردد. مقدار وارداتی از بابت آن ماهانه ۸۷۰ تا ۹۳۰ میلیون دلار میباشد. در همین حال گمرک جمهوری اسلامی اعلام نمود که صادرات فرشهای دستی ایران به لحاظ ارزش، به نسبت سال قبل ۳۵/۵ درصد کاهش داشته است. قابل ذکر است که طی سال گذشته بیش از ۷/۵ هزار تن فرش پشمی دستی ایران به ارزش ۳۸۷ میلیون ریال (۳۱/۸۵ درصد کل صادرات) به جهان صادر شده است. طی همین زمان معادل ۱۳۹۳۲ میلیون دلار بسته و مغزیسته به خارج صادر شده که به نسبت سال قبل ۲۶/۴۵ درصد کاهش نشان میدهد. شمش مس نیز از دیگر کالاهای صادراتی ایران است که آن نیز به نسبت سال قبل ۲۰/۹۷ درصد کاهش داشته است.

بنا بر این گزارش، خواب و یا رتخا کالای است که در این زمینه افزایش نشان میدهد. طی سال قبل رژیم صادرات ۲۶۵ تن خواب را حدود ۲۸۵۴ میلیون ریال ارزش حاصل شده است. این مقدار به نسبت سال قبل ۷۰/۹ درصد افزایش داشته است.

در این سال سرخی از مسئولان رژیم مدعیند که نرخ تورم در ایران به ۹۰ درصد رسیده است. طبیعی است با افزایش روز افزون مایحتاج عمومی نرخ تورم همچنان سر صعودی داشته باشد. طی سال گذشته بسیاری از کالاهای طبق گزارش روزنامه‌های رسمی کشور تا ۴۰ درصد افزایش نرخ داشته‌اند. افزایش روزانه نرخها در جمهوری اسلامی امری است که هیچ‌گاه در طول حیات آن، شکل ثابت و یا کاهش بخسود ندیده است.

●●●●●●●●

– رژیم اعلام نمود که ۴۰ درصد به قیمت پروازهای داخلی و ۱۰ درصد به قیمت پروازهای خارجی افزوده است. گفتنی است که در همین حال مسافران که توسط هواپیمای صدرخروج از کشور وارد شدند، علاوه بر ۱۰ هزار تومان عوارض گذرنامه ۲۰ هزار تومان بابت عوارض فرودگاه و بایده‌بیردازند.

قرارداد یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلاری با ایتالیا و ژاپن

دولت ایران جهت احداث پالایشگاه با ظرفیت ۱۵۰ هزار تنگه در روز، با کنسرسیومی متشکل از چند شرکت ژاپنی و ایتالیایی قراردادی به مبلغ یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار امضاء نمود. طبق این قرارداد هفتمین پالایشگاه ایران احداث و ظرفیت آن تا ۴۰ سال آینده را همانندازی خواهد شد. در احداث این پالایشگاه ۲۵۰ تکنسین خارجی شرکت دارند.

در همین زمان مطبوعات رژیم گزارش داده‌اند که سعادت ابران ۵ شرکت ژاپنی و چهار شرکت افرانسه، ایتالیا و انگلستان و کره جنوبی، سه ایران آمده‌اند تا در مناقصه طرح ۵۰۰ میلیون دلاری ایران برای بازسازی تأسیسات نفتی جزیره خارک شرکت کنند. قابل ذکر است که نیمی از اسکله‌های نفتی جزیره خارک در طول جنگ ایران و عراق از بین رفته‌اند.

کلیه آخوندها بیمه درمانی میشوند

نفرتنها بعلت فقر مالی مسمرند. در حالیکه بی‌سالیها مبارزه هنوز صدها هزار کارگر در این مناقصه دفترچه بیمه هستند، دولت اعلام میدارد که "روحانیون سرانگشت پوشش بیمه درمانی سازمان تأمین اجتماعی قرار گرفتند" و "روحانیون داد و طلب بیمه شدن" تنها با ارائه معرفی نامه‌ای از "یکسای از مراجع تقلید، حوزه علمیه و مدارس علوم دینی، ائمه جمعه و یا سازمان سلسله‌ت‌سیمه خواهند شد.

جنگی مجروح شدند

در برخی عرصه‌ها، فعالیت رژیم شکل حادثه‌تری بخود گرفته است. رژیم برای ذخیره نظامی خویش در مقابل خطراتی که احساس میکند، با شنیدن جواب‌داد از مردم به دانش آموزان روی می‌آورد تا با سرانگیزانند احساسات آنها در جهت ذخیره نیروی نظامی، سسه نقشه‌های شوم خویش جا به عمل پوئاننده، چند صا حسی دیگر بر عمر خویش سفزاید.

خدمات درمانی و پزشکی نیز به سرمایه‌داران سپرده میشود

برای هر طرح "وام میدهد. (کیهان ۱۱: ردیبه‌نست) بر اساس این طرح متقاضیان و واجدین شرایط میتوانند در مراکز پزشکی و درمانی سرمایه‌گذاری کرده و مراکز خصوصی در این رشته را گسترش دهند. دولت از طریق "بانک ملت" تا ده درصد سود حاصله از چاپیدن مردم را ماحب خواهد شد.

روستائیان استان فارس تنها یک پزشک زن دارند.

از کل پزشکان زن این استان تنها یک نفر سردر مناطق روستایی خدمت میکند و برای هر سه هزار نفر جمعیت این استان تنها یک پزشک وجود دارد. با استناد به این آمار ۵۸/۳۳ درصد خانوارهای مناطق شهری ۶۰/۱۳ درصد در سطح روستا از برق استفاده میکنند.

تحصیل رایگان به شیوه اسلامی

● رژیمی که مدعی است به "پارهنه‌ها" و "کوخ نشینان" تعلق دارد، رژیمی که مدعی است، آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه رایگان است، طی سال گذشته ۲۶ میلیارد ریال از دانش آموزان شهریه گرفته است.

مسئولین رژیم از یک طرف به مدارس بخشنامه میکنند که حق دریافت شهریه ندارند و از طرف دیگر به بیانه‌های مختلف هر ماه مقدار متناهی پول از والدین دانش آموزان طلب میکنند.

اکرمی نماینده مجلس در این مورد اعلام داشت که پرداخت شهریه، چندین بار در سال بصورت میگیرد و اصولاً گرفتن شهریه فعلی مدته ".

با این همه اخذ آنچنانی است اینکسه دانش آموزان نه کلاس دارند، نه کتاب و دفتر، و فضای آموزشی، از لطاف فقها روز به روز تنگتر میگردد.

● آخوندها همه چیز را برای خویش میخواهند. آنچه که نفعی در آن باشد، ده سال عمر رژیم آخوندی نشان داده است که حرف و شعار تنها برای فریب زحمتکشان است، آنچه که در عمل واقعی نشان میدهد، همانا ثروت اندوزی و غارت اموال مردم است.

در حالیکه میلیونها نفر از جمعیت ایران فاقد بهداشت، بیمه و درمانند و در حالیکه هر روز هزاران

۶ دانش آموز در ترمین

● بنا به گزارش کیهان ۵ اردیبهشت، بدینال استفا ده گلوله جنگی بجای فشنگ مثقی توسط مربی آموزشی، ۶ دانش آموز مدرسه را هنگامی بدرتهران، در حین آموزش نظامی مجروح شدند که حال یکی از مجروح شدگان وخیم است.

این عمل که در چارچوب سیاست نظامی گری رژیم صورت میگیرد، با پایان جنگ و تشدید بحران،

● بدینال سپردن معادن، کارخانجات، کشاوری و آموزش و پرورش ... به بخش خصوصی، دولت اعلام نمود که "جهت گسترش خدمات پزشکی در کشور سیزده در نقاط محروم"، "به کلیه پزشکان ایرانی مقیم کشور و یا خارج که فاقد سرمایه لازم برای احداث بیمارستان، درمانگاه و دیگر مراکز پزشکی هستند"، "در قالب عقود اسلامی تا سقف سه میلیارد ریال

● باانتظار گذشته تا پیشرماری استانهای کشور، اعلام شد که در سال ۱۳۶۵ استان فارس سه میلیون و ۱۹۳ هزار و ۹۰۰ نفر جمعیت داشت که از این تعداد ۵۰/۹ درصد در مناطق شهری و ۴۹/۱ درصد در مناطق روستایی ساکنند. از کل جمعیت استان ۲۴ درصد غیرساکن میباشد. بر طبق همین آمار ۹۱۶ پزشک مرد و ۱۸۴ پزشک زن در این استان مشغول بکار هستند.

ها بگذارد و ابتدا آنچه را که تاکنون گفته ایم در چند بند تکرا رکنیم و آنگاه به بررسی مسئله سازمان‌داری هواداران بطور مشخص بپردازیم:

— هواداران رفتنی است که سه کلبه دستداران سازمان که عضو آن نیستند اطلاق میشود و بی‌تفاوتی و ارتباط و هواداران و نیز تنوع هویت اجتماعی هواداران است.

— هواداران در تشکیلاتی سازمان می‌باشند که خارج از سازمان حزبی بوده و از این لحاظ تابع انضباط حزبی و هرگونه انضباط دیگری جز آنچه خود تعیین میکنند نیستند.

— هواداران بعنوان حلقه اتصال شکل حزبی و

سیاست‌گذاری مستقل انتخاب میکنند. جنبش سازمانی می‌باید همه وظایف جزئی را در دسترس خود نگذارد و به آنها عمل کند. طبیعتی است که با انحلال ارگانهای هواداران متعهد و عضوگیری از میان آنان رده تشکیلاتی هواداران متعین و ساخت سازمانی متناسب با آن برای همیشه از میان برداشته میشود. بنا بر این دیگر هواداران را سه دلیل هوادار بودن آنها، یعنی صرفاً رابطه ایدئولوژیک - سیاسی، بدون هم جمع نگرده و آنها را متشکل نمی‌کنیم، بلکه آنها را بر اساس کارکردی که در جامعه دارند، برای پیش بردن خط و برنامه سازمان در محیط اجتماعی خودشان هدایت میکنیم.

انحلال گروه‌های "هواداران متعهد" که پس از پلنوم مهرماه ۶۶ کمیته مرکزی سازمان انجام یافت، پاسخ قطعی درقبال مسئله تفکیک روشن مرزهای سازمانهای حزبی و غیرحزبی و نیز معضل سازماندهی هواداران بود. با این همه این اقدام بمعنی پایان یافتن همه‌جانبه سیاست گذشته و جاسا افتادن سیاست جدید نبوده و علاوه بر رشته محدودیت‌های عملی و ابهامات نظری هنوز بعنوان مانع بر سرترتیب خط هواداری سازمان وجود دارند. ما در این نوشته به اختصار به تشریح سیاست سازمان در قبال هواداران و اشکال سازماندهی آنها می‌پردازیم.

سیاست ما در قبال هواداران و سازماندهی آنها

تشکیلاتی توده‌ای و دمکراتیک و بیرونی است به حزب عمل میکنند.

— سازماندهی هواداری بر اساس هویت اجتماعی هواداران انجام میشود و نه بر اساس هوادار بودن آنها، یعنی هویت سیاسی آنها.

آنچه که فوقاً تکرار شده معنی آن است که ما بلحاظ نظری، هوادار را در خارج از سازمان حزبی تلقی میکنیم، از وی انتظار انضباطی و طلبانه و مسئولیت‌پذیری و طلبانه در یک شکل غیرحزبی که اساساً در فعالیت توده‌ای شرکت میکنند داریم و وظیفه سازمان حزبی راه‌های فعالیت این فعالیت است میدانیم. با این حال، در خارج از کشور در عمل مسئله‌های اساسی قابل حل نیست، زیرا در اینجا همه‌چیز که گفتیم سازمان‌نگری توده‌ای از پیچیدگی‌های معینی برخوردار است. با این مشکلات واقعی چگونه برخورد کنیم؟

در پاسخ بگذاردیم به اصل تنوع سازماندهی هواداران که ناشی از تنوع دلایل هواداری و هویت متنوع هواداران گوناگون است، رجوع کنیم. در خارج از کشور ما چه هوادارانی داریم، آنها از چه رو هوادار ما هستند. به چه نوع فعالیتی (کشورطلبانه) دارند. هواداران سازمان در خارج از کشور غالباً مهاجرین سیاسی هستند که بدلیل قبول مواضع سازمان هوادار آن هستند و میتوان ندر مجموعه متنوعی از فعالیت‌های دمکراتیک بعنوان پناهنده، زن، دانشجو، هنرمند و غیره شرکت کنند، بسیاری از هواداران نیز به این تمایل دارند که پارهای از وظایف حزبی مثل تبلیغ و ترویج، گذاشتن میزکتاب و... را سه عهده بگیرند. علاوه بر مناطقی هنوز واحدهای پایه سازمانی ایجاد نشده اند و اگر چنین واحدهایی وجود دارند، به لحاظ کمی و کیفی نمی‌توانند بدون مشارکت هواداران وظایف حزبی خود را به خوبی انجام دهند، تا توجه به این تصویر اکنون میتوانیم پارهای از اشکال سازماندهی هواداران را نام

برده و خصوصیات هر کدام را تشریح کنیم:

الف - در مناطقی که واحدهای پایه سازمان هنوز ایجاد نشده اند، میتوان دونوع شکل هواداری را

معنی آنها تشویق و راهنمایی میشوند که خط سازمان را در محیطها و تشکیلاتی توده‌ای که بمناسبت هویت اجتماعی خود در آنجا حضور دارند پیش ببرند و طبعاً برای چنین کاری نوعی از سازماندهی سه معنی‌ها همگن کردن فعالیتها، نشان را پیدا خواهند نمود. این سازماندهی چیزی شبیه فراکسیونهای حزبی در تشکیلاتی توده‌ای و غیرحزبی است. اگرچه مشمول انضباط و مقررات مربوط به فراکسیونهای حزبی که تحت کنترل و احزابی مربوطه هستند نمیشوند. در عین حال برای روشن شدن جایگاه دقیق سازماندهی هواداری، باید فاصله آنها را از تشکیلاتی دمکراتیک و توده‌ای نیز بخوبی ترسیم نمود. تشکیلاتی دمکراتیک و توده‌ای آنگونه از تشکیلاتی غیرحزبی هستند که در مقیاس با هواداران از سازمان فاصله بیشتری دارند. به زبان دیگر اگر همه هواداران، اتوریته سیاسی و معنوی سازمان را می‌پذیرند و به درجات مختلف در اجرای برنامه آن می‌کوشند، تشکیلاتی توده‌ای و دمکراتیک از استقلال خود از سازمانهای سیاسی حائزند و لزوماً در جهت تحقق اهداف آنها مبارزه نمیکنند. بنا بر این هواداران، ضمن قرار داشتن در خارج از مرزهای سازمان حزبی، نوعی حلقه اتصال این سازمان با تشکیلاتی دمکراتیک و توده‌ای هستند و حسی در شرایطی بعنوان اهرم مهم بین سازمان برای فعالیت توده‌ای و دمکراتیک عمل میکنند. این واقعیت مهم نیز در سازماندهی هواداران باید همواره در نظر گرفته شود.

اگر بپذیریم که هواداران بعنوان هدف اصلی بین سازمان حزبی و تشکیلاتی دمکراتیک عمل میکنند و برای پیش بردن فعالیت خود در درون تشکیلاتی توده‌ای نیاز به هماهنگی و لاجرم متشکل شدن دارند و این سازماندهی نه بر مبنای هوادارانی آنها که بر اساس هویت اجتماعی آنها، مثلاً بعنوان زنان دانشجو، زن و... صورت میگیرد.

در اینجا ممکن است از ما پرسیده شود که مقصود از تشکل هواداران و یا دانشجو چیست، و به چه مقصودی چنین تشکیلاتی ایجاد میشوند، چگونه فعالیت میکنند و غیره... در پاسخ به این پرسش

عنوان هوادار در ادبیات چپ ایران غالباً کسانی اطلاق میشود که بدون برخورداری از حقوق تشکیلاتی بمعنا به عضو، با پذیرش این یا آن درجه انضباط و بعضاً حتی در حد کارهای حرفه‌ای، در درون تشکیلات مسئولیت گرفته و مبارزه سیاسی میکنند. گسست با این بینش دقیقاً از همین تعریف شروع میشود. از نظر ما هوادار به کسی گفته میشود که در خارج از مرزهای سازمان حزبی و بنا بر این بر اساس متعهد و انضباط و طلبانه غیرحزبی، به اشکال مختلف و به درجات گوناگون، از یک سازمان سیاسی حائزنداری میکند. از این رو، هرکس که به هم‌میزان، ولو مشروط و محدود، از ما طرفداری میکند، هرکس در مورد این یا آن هدف سیاسی با ما همدلی دارد و هرکس که بسزای تحقق برنامه ما در راستای عمومی آن بکوشد و هوادار سازمان است. چنین هواداری ممکن است تنها بخاطر دلالتی به رزمندگان شهید سازمان با ما رابطه عاطفی داشته باشد و حتی درک روشنی نیز از برنامه و ایدئولوژی سازمان نداشته باشد، و یا سه لعکس رفتنی صاحب نظر باشد که در این یا آن زمینه سیاسی و ایدئولوژیک از اعضای سازمان نیز توانا تر است. تنوع هواداران و دلایل هواداری آنها در عین حال ملازم تنوع پایه اجتماعی آنها است. هم‌اکنون هواداران سازمان به لحاظ جایگاه اجتماعی گونه‌گونی قابل ملاحظه‌ای را بنمایش میگذارند، زنان، دانشجویان، پناهندگان، هنرمندان و... با توجه به این تنوع، سازماندهی هواداران در چارچوب یک خط مشی مبتنی بر کار توده‌ای و عطف توجه به بیرون، نسبتاً پیچیده بوده و در خارج از کشور یعنی در محیطی که کار توده‌ای مختصاً ویژه‌ای دارد این پیچیدگی دوچندان است. با این همه، اصل تنوع در اشکال و شیوه‌های سازماندهی هواداران باید همواره راهنمای ما باشد.

مطلب مهم دیگری که باید روشن شود، همانند جایگاه تشکیلاتی هواداری میباشد. ما با خاسته‌ها دن به سیاست "هواداران متعهد" و انحلال واحدهای آنها به این مسئله صراحت دادیم که سازمان پایه حزبی تنها و تنها از اعضای سازمان ایجاد میشود و هویت خود را از توانایی اش در برنامه‌ریزی

سیاست مادر قبال هواداران و سازماندهی آنها

دا و طلبا نه در خود گرد آورند و طبعاً به عنوان تشکل - هائی دا و طلبا نه در مورد برنا مه های مطالعاتی خود به صورت دموکراتیک تصمیم بگیرند. از این رو این تشکل نیز به نندکلیه تشکلهای هوا داری، تا به سطح ضابط دمکراتیک معمول بوده و هر چند که رابطه فشرده ای با واحدها به داشته باشد، تابع انضباط ویژه حزبی نیست. در عین حال مادر قبال محافل مطالعاتی برنا مه روشنی داریم، این محافل میتوانند در صورت تمایل این برنا مه را بپذیرند و آنرا حزبا و کلابه اجرا بگذارند. برنا مه ما که در هر مورد با ید بطور مشخص تدوین شود در خطوط عمومی عبارت است از مطالعه ما رگسیم - لنینسیم، مطالعه ادبیات شورویک سازمان، بحث درباریه مواضع سازمان، بحث در مورد مقالات سیاسی "راه کارگر" و "پیام کارگر" و نیز بحث در مورد مسایل مربوط به فعالیت سیاسی در منطقه، بعلاوه واحدها به میتوانند بصورت دوره ای نمایندگی را به جلسه محفل مطالعاتی فرستاده و به رفقا در مورد فعالیتها ی خود، سیاستهای سازمان و به هر گونه مباحثه مورد علاقه آنها

فراکسیونها فعالیت نمی کنند، در صورتیکه تعداد کافی از آنها وجود داشته باشد، سیاست ما تشویق آنها به فعالیت متشکل با مضمون کار دمکراتیک می باشد. اگر در یک منطقه چندینا هنده، دانشجویها هنرمند هوا دار وجود دارند، واحدهای پایه می - بایست آنها را به ایجا تشکل با مضمون فعالیت در میان بنادندگان، دانشجویان و فعالیت های فرهنگی و هنری تشویق کنند و به آنها در راستای این فعالیت ها یاری برسانند. بنا بر این هسته های هوا داری با مضمون فعالیت اجتماعی - نظیر کار در میان بنادگان، زنان، دانشجویان و غیره - بیشتر بصورت یک فراکسیون غیر حزبی و مستقل و به عنوان هسته مفت و پایدار تشکلهای دمکراتیک در خارج از کشور عمل میکنند، سیاست عمومی مادر قبال هسته های هوا داری، احترام به استقلال آنها، خودداری از دخالت در فعالیتها ی آنها و در عین حال یساری

بعنوان شقوق ممکن بر شمرده اول تشکلهای که دا و طلبا نه انضباط کامل حزبی را میپذیرند و تحت هدایت کمیته خارج ویا ارگانهای رهبری وابسته به این کمیته نظیر واحدهای سازمانی مناطق نزدیک، فعالیت میکنند. این تشکلهای هر چند به معنای دقیق کلمه تشکل حزبی نیستند، اما سیاست سازمان باید بویاه ارتقاء فعالیت آنها به عضو ویا واحدهای استوار یا شدوینا بر این بعنوان پدیده ای گذرا و تنها به این عنوان می بایست پذیرفته شوند. دوم تشکلهای که بپذیرای انضباط حزبی نیستند اما در پیشبرد برنا مه سازمان به ایبتکار خود و به انتخاب خود میگویند، اینگونه تشکلهای بعنوان تشکلهای هوا داری مستقل عمل نموده و لزوما همه جا از همه مواضع سازمان دفاع نکرده و همه سیاستهای آنرا به پیش نمی برند، اما در عین حال نر ز استای عمومی خط سازمان عمل میکنند، به آن یاری میرسانند و بخشهای از نیاهای آنرا به لحاظ فعالیت حزبی بر آورده میکنند. رابطه سازمان با آنها، رابطه ای تشویقی و مشورتی است. آنها حق اتخاذ مواضع مستقل از مواضع سازمان و حتی مخالفت با این مواضع را داشته و سیاستهای سازمان را به تشخیص خود به پیش میبرند، از این رو هرگاه آنها در عمل از راستای عمومی خط سازمان خارج شوند، سازمان میتواند به آنها علنا انتقاد کند، رابطه اش را با آنها تنزل دهد و یا آنرا کاملاً قطع کند و آنها را هوادار خود نداند.

ب- در مناطقی که واحدهای پایه سازمان وجود دارند، هواداران میتوانند وظایف حزبی معینی به شرط پذیرش انضباط لازم را بعهده بگیرند و یا در فعالیتها ی غیر حزبی شرکت کنند. از این رو هواداران را میتوان به شرط پذیرش انضباط سازمانی در کنار اعفاء سازمان و برای تحقق وظایف حزبی معین سازمان داد. این سازماندهی در گروههای کار (میزگرداری، تبلیغ سیار، روابط بین المللی و...) عملی میشود و هواداران در این گروهها از حقوق مساوی با اعفاء برخوردار بوده، بورکلیه مباحثات و تصمیم گیریها شرکت میکنند.

شرط اساسی شرکت هواداران در فعالیتها ی حزبی معین، تنها پذیرش دا و طلبا نه انضباط مربوط به این فعالیت است.

علاوه بر گروههای کار، فراکسیونهای حزبی ما برای کار در تشکلهای دمکراتیک نیز میتوانند هواداران را به عضویت خود بپذیرند. در این حالت نیز شرط شرکت هواداران در فراکسیونها، پذیرش انضباط حزبی مربوط به این فعالیت میباشد. واحدهای سازمان در قبال آن دسته از هواداران که در گروههای کار و در فراکسیونها فعالیت میکنند، وظیفه اخس ارتقاء آنها به سطح عضو دار و رندومی - بایست برای همه این رفقا، برنا مه ریزی و بسط بدین منظور صورت گیرد. در مورد هواداران که در گروههای کار و در

ما، هوادار را در خارج از سازمان حزبی تلقی میکنیم، از وی انتظار انضباطی دا و طلبا نه و مسئولیت پذیری دا و طلبا نه در یک تشکل غیر حزبی که اساسا در فعالیت توده ای شرکت میکنند را داریم و وظیفه سازمان حزبی را هدایت این فعالیت میدانیم. با این حال، در خارج از کشور در عمل مسئله به این سادگی قابل حل نیست. *

توضیح دهد.

در یک کلام محافل مطالعاتی با ید بعنوان محل ارتقاء سیاسی و یدشولوزیک و تشکیلاتی هواداران تلقی شده و واحدهای پایه، با آنها رابطه گسترده ای برقرار کرده و کیفیت جلسات آنها را ارتقا دهند.

اصلاحات تشکیلاتی که تا کنون در زمینه سازماندهی هواداران صورت گرفته اند با نقص برجسته ای همراه بودند که همانا کندهی در سبب دادن هواداران به سمت فعالیتها ی بیرونی میباشد. چنین نقشی به میزان کمتری در مورد گسست از سازماندهی حزبی هواداران نیز وجود داشته است. واحدهای پایه سازمانی می بایند بر مبنای آنچه که در این مقاله تشریح شده به اجرای سیاست سازمان بصورت همه جانبه پرداخته و ابهامات و مشکلات عملی خود را بصورت جمع بندی شده در اختیار کارگران قرار دهند تا بر مبنای آنها اصلاحات و تغییرات لازم در سیاست سازمان صورت بگیرند.

رساندن به آنها میباشد. در اینجا نیز سازمان رابطه ای تشویقی و مشورتی با آنها داشته و تلاش میکند که آنها در راستای عمومی مبارزه سازمان عمل کنند. همین رابطه را سازمان در مورد هواداران منفرد خود که هر کدام در این یا آن فعالیت دمکراتیک شرکت میکنند نیز اتخاذ میکند و تلاش میورد که این فعالیتها هر چه منضبط تر و بیگیر تر صورت بگیرند.

بنا بر این واحدهای پایه سازمان در قبال هواداران که بطور کامل خارج از گروههای کار و فراکسیونها قرار دارند، سیاست سوق دادن آنها به فعالیت اجتماعی بصورت متشکل، بر اساس علاقه و توانائی شان را دنبال کرده و در اتخاذ این سیاست در عین حال همواره رابطه معنوی و تشویقی با آنها برقرار میکند. برای اینکه چنین رابطه ای بتواند با کارآئی هر چه بیشتر ایجا شود، میتوان به هواداران که در یک منطقه و یا شهر فعالیت میکنند پیشنهاد ایجا محافل مطالعاتی داد. این محافل میتوانند کلیه هواداران یک منطقه را بصورت



درحاشیه کنسرت موسیقی سنتی
و محلی ایران در کلن

پیام آوران رنج و امید

آن با تکنیک‌های آهنگسازی غرب، موفقیت‌های شایانی کسب نمودند. در ایران نیز ردیف‌های موسیقی سنتی از موسیقی خلقها، در طول تاریخ تا شیرفراوان برداشته است. از آن جمله اند: دیلمان، کاراستان و صبا ویا گوشه‌های گیلکی، شوشتری و...

با توجه به اینکه آهنگسازی برای ارکستر، در ایران عمر طولانی ندارد و با توجه به اینکه ما زهای ایرانی دارای حالات ویژه‌ای هستند که تنها با آنها حالات درونی را بهتر میتوان بیان نمود و با این تعداد سازها این حجم هیچگاه نمی‌توانند جوابگوی سمفونی باشد، آنگاه به عظمت کاری که نوآوران عرصه موسیقی ایران پیش روبرو دارند، بهتر واقف خواهیم شد.

موسیقی سنتی ایران که تا قبل از دهه چهل سیفرفرمهای قالبی و عملیات تبدیل به یک موسیقی مجلسی گشته بود، در این سالها، همزمان با تحولات اجتماعی - اقتصادی جامعه متحول گشت و در این راه به یوگوه‌گروه‌های موسیقی سنتی با گرفتند. از آن جمله اند گروه عارف و شیدا، دو گروهی که به همت لطفی و علیزاده تا سیم گردیدند و هم اکنون با هم ترکیب شده به سرپرستی حسین علیزاده فعالیت دارند. این گروه که دربار روی و تحرک موسیقی ایران بسیار رکوشیده و در این راه گام‌های بسیار مثبتی برداشته، کارخوبی را در ابتدای امر با طرد موسیقی مبتذل و عامیانه آغاز و در برابر سست گریبان نیز مرز خویش را مشخص نموده، عملاباحفاظان دگم‌سنت و ردیف در تقابل قرار گرفت. کار این گروه روحی بود در کار لید موسیقی ایران که در این امر نباید ضرورت‌های زمانه را فراموش کرد. این جان ناز به شکستن و فروریختن حصارهای تنگ و نمود و تخدیر آ میز ردیف، خود را از چهار چوب تکرارها و سنت رها ننید و در این زمینه به حق موفقیت‌هایی شایان و درخوب کسب نمود. این گروه پس از انقلاب در چهار چوب حصار تنگ فکری فقها و برخی مسائل سیاسی عملاً نتوانست رسالت خویش را بعنوان یک "گروه هنری" انجام دهد. یورش، زندان، دستگیری شکستن سازها، مهاجرت و... شامل حال افراد زیادی از این گروه نیز گردید. ولی سرانجام در سال گذشته، با گرد هم آئی مجدد افراد این گروه، گروه کارخوبی را سازا اجرای کنسرتی در تالار رودکی، در تهران آغاز کرد. این کنسرت با استقبال بی‌سابقه‌ای از مردم روبرو شد. گروه عارف و شیدا تصمیم داد در چند ماه آینده سفری هنری به اروپا داشته باشد.

"کودک ایرانی بالائی لائی به آواز دشتی میخوابد، فروشنده‌گان کوچه و بازار کلایشان را در ابوعطا یا افشاری معرفی میکنند، بنا از همکار خود با شور و هیاهو یا اصفهان آجر میخوابد و گدا از رهگذران با گوشه متموری تمنا میکند "روح له خالقی - نشوری موسیقی ایرانی. موسیقی هنری است که با انسان زاده گردیده و بر این اساس تاریخی به قدمت موجودیت انسان دارد. عناصر موسیقی، همه ریشه در طبیعت دارند، عناصری که هیچگاه در زندگی شکل ثابتی نداشته اند.

موسیقی ایران در طول تاریخ چندین بار شاهد تحولاتی بزرگ بوده است. جمله عرب به ایران را اگر بخوانیم سرفصلی برای این تحولات بشمار آوریم طبیعی است که تحولات دودهدا خیر یا بی آن نخواهد بود. از موسیقی مبتذل عامیانه که بگذریم، هم اکنون دواندیشه بر موسیقی ایران حاکم است. اندیشه‌ای برای پای میفشارد که نیا بد از چارچوب سنت یا فراتر نهد. این اندیشه سائیکه سنت ردیف‌های سنتی موسیقی ایران با ذهنیتی دگم، کمتر جایگاهی برای نوآوری و نوگرایی قائل است. بدون اینکه توجه کند حتی قرار داده‌ای پذیرفته شده خودشان (پیش‌درآمد، شیوه‌خوانندگی، نسبت نویسی و...) همه از دست آورده‌های موسیقی در سطح جهان هستند. گروه دیگری با برون گذاشتن ساز چارچوب سنت، بخصوص در چند دهه اخیر، هزار چندگاه پدیده‌های نوئی را از موسیقی سنتی ایران عرضه داشته اند. این نوگرایی‌ها و نوآوریها تا کنون چندین بار بغفلت عدم حمایت و عدم وجود شرایط و زمینه لازم اجتماعی، بدون نتیجه متوقف مانده اند و در این رهگذر برخی از موسیقیدانهای سنتی با بکارگیری حالاتی از موسیقی محلی ایران و دست آورده‌های جهانی موسیقی، ابتداعاتی عرضه کرده اند که در کنارها متوجسارت، تنها از عهده کسانی برمی آید که بر موسیقی ایران و پیراکنندگی قوی آن احاطه داشته، از موسیقی علمی و دست آورده‌های جهانی آن آگاه و خلاقیت لازم را دارا باشند.

در میان موسیقیدانهای ایران، حسین علیزاده، با آنچه تا کنون ارائه داده نشان میدهد که چنین فردی است. استفاده، تلفیق و تا شیراز موسیقی مجلسی دستمایه کار بسیاری از موسیقیدانهای مشهور جهان بوده است. میخائیل شوپن آهنگساز لهستانی و میخائیل گلینکا آهنگساز روس، در زمره کسانی هستند که با استفاده از ملودیهای محلی و تلفیق

کنسرت کلن که در اصل سه تن از اعضا گروه عارف و شیدا در آن شرکت داشتند، (ابن افراد طوسی همین ماه چند کنسرت در برلین، هامبورگ و چند شهر ایتالیا اجرا کرده اند) در دو قسمت اجرا شد:

در قسمت اول حسین علیزاده با سه تار سه‌دانه نوازی برداخت. علیزاده در این اجرا دوتنوع کار از خویش ارائه داد. بخش اول قطعاتی را شامل میشد که با دآورکارهای اولسه و، مخصوص "نوا" بودند، ولی بخش دوم، نطعه ترکمن "رنگ و بوی دیگسری داشت. اسان سه همراه "سواران دشت امید" از فراز "حصار" حیرت‌میداشت تا از دشت‌های "ترکمن" به سوی "نوروز" زندگی پیش تا زده. قطعه‌ای زیبا و سرشار از تحرک و سوزا، قطعه‌ای که چون بقیه کارهای حسین علیزاده محرک درون انسان است. برداشتی تازه که از موسیقی مومی ایران مدد میگیرد. جلوه‌ای خاص از یک ملودی ناب. جلوه‌ای که خلاقیت ذهنی و بنده‌های علیزاده آنرا را ورز کرده است. قطعه ترکمن یک بداهه نوازی در دستگاه و آواز گوشه‌های مختلف است. "دستگاه اصلی که جمله‌ها و فرودها به آن بازگشت داده میشوند است پنجه‌ها است. دستگاه راست پنجه‌ها بجز چند نغمه از محدوده (درآمد) که از استقلال و ویژگی خاص برخوردارند، بقیه روند ملودیها به گونه‌ای وابسته به دستگاه و آوازهای دیگری مانند (مربک نوازی) یا "سنگردانسی" را بطور طبیعی امکان پذیر میکند" (حسین علیزاده - جلد نوا ترکمن)

در این قطعه در دورنج و تحرک به هم می آمیزند و جلوه‌هایی از آینه‌بندی پیش روی شنونده به رقص درمی آیند. و همین آینه‌نگری است که معنا به دستمایه اکثر کارهای حسین علیزاده، به آنها مفهومی خاص میبخشد. امری که در کار دیگران کمتر میتوان یافت. "زندگی همه ما سرشار از لحظات و حالات متنوع و گوناگونی است که هنرمند با زوگوشه آنهاست آنهاست" (علیزاده - ما خذقلی) و این "لحظه" هاست که موسیقی علیزاده را با رورتر می کند و آوازها موسیقی زمان ارتقاء میدهند. حکایتی نواز دردها و رنجهای مردم به زبان ساز، حکایتی که هیچوقت با محتوی در تقابل قرار نمی گیرد.

علیزاده تنها یک آهنگساز نوآور نیست، او در عرصه نوازندگی نیز سبک ویژه‌ای دارد و در این امر نیز ما حب سبک است. تسلط او بر حد عالی نوازندگی باعث میگرد که پیوندی عمیق با حالتها و احساسات شنونده ایجاد کند. تکنوازی او در این کنسرت نیز چون دیگر کارها پیش‌عرصه‌ای بود از تمامی هیجانات درون انسان در پیوند با جامعه و نهانیت موسیقی و حکایت گردید و رنج و پیام و روح و آزادی است.

در قسمت دوم کنسرت، علی اکبر شکارچی به اجرای موسیقی لری پرداخت که حسین علیزاده با تار و محمد قوی طلمبا تنبکی وی را همراهی می‌کردند. موسیقی محلی (قومی و با خلقها) در اصل، سرگذشت انسانهاست در بستر تاریخ. کار، مبارزه، عشق، پیروزی، شکست، زندگی، مرگ و امید، موسیقی محلی سرایشی است از تاریخ و رویدادها، آنچه بر مردمان

ها لیوود در دا دگا

با شیزمال ۱۹۲۷ در تاریخ هالیوود و برای سینمای آمریکا ننگی بزرگ به همراه داشت. در این سال "کمیتة فعا لیتهای ضد آمریکا"ی "موفسک شدتعداد زیادی از سینماگران مترقی آمریکا را به جرم فعا لیت و تبلیغات کمونیستی به میز محاکمه بکشانند. تعدادی از آنها محکوم به زندان و تعدادی دیگر به پیرداخت جریمه نقدی محکوم گشتند و نامشان وارد "لیست سیاه" گردید. این اقدامات که در کثاکش جنگ جهانی دوم آغاز گشته بود، با نفوذ روز افزون سوسیالیسم در عرصه جهان ابعا دوسیعتری به خود گرفت. گردانندگان آمریکا فکر میکردند که نما م روشنفکران کمونیست هستند و در این میان هنرمندان سینما جایگاه ویژه ای دارند. آف. پی. آی در همین زمان کتابی بنام "دست نشانندگان سرخ" منتشر کرد که در آن از بیش از ۱۵۰ هنرمند سینما به عنوان "خوابکار کمونیست" نام میبرد. ساعت روز - افزون فیلمهای "فدکمونیستی" در این سالها یکی از اثرات منفی این کمیته بشمار میرود. همچنین این کمیته موفق شد بسیاری از هنرمندان سینمای آمریکا را به ترک کشور مجبور کند.

واکنون پس از سالها، فیلمی ساخته میشود به نام "هالیوود در دا دگا" که با زاری ما هرانهای است از این محاکمات. این فیلم به کارگردانی دیوید هلبرن جوینوروبا همکاری جان هاستون ساخته شده است. بدنیست داسته شونده از مشهورترین افراد بررسی کننده پرونده ها، ریچا رنیکسون، رونالد ریگان، ربررت تا یلوروگری کوپری بودند. اخراج چارلی چاپلین از آمریکا و محکومیت برتولت برشت نیز از اعمال این کمیته بشمار میروند.

بود که در این کنسرت نیز در کنارتها که آنچه و تنبیک (دوما زلری)، تا رنیز حضور می با بدنا به موسیقی محلی غنای بیشتری بخشیده شود.

در کنارتها و عیازده و شکارچی با پیدا ز قوی حلم نیز با دگر دکه فردی است مسلط بر تنبیک و دف نیز می نوازند.

استقبال بسینظیر تماشاچیان از این بیام - آوران رنج و امید، که در داخل کشور ابعا دگسترده تری دارد، ضمن نشان نگری بودن پذیرش مردم در نوآوری موسیقی سنتی و خواهان تحول در آن، در اصل زنگ خطر و هشدارها می است برای آندسته از موسیقیدانان - های سنتی ایران که امیر دگم ردیف ها بنند. موسیقی ایرانی، برهه حساسی از تاریخ زندگی خویش را میگذرانند، اگر امروزه این موسیقی نتواند زمان و رسالت خویش را درک کند و ظرف لازم را برای آن بیابد، طبیعی است نه تنها نمی تواند از چها رچوب ایران خارج شود، بلکه صرفا برای کسانی باقی خواهد ماند که مخداری برای زندگی قیقرانی خویش می جویند. ارزش کار عیازده و گروه شیدا و عارف در همینجا خود را می نمایند. با آرزوی موفقیت برای ایشان.

کلن - دهقانی

گزارش کنسرت

شجریان و علیزاده در برلین غربی

در این روزها دو گروه موسیقی از ایران - گروه آوا و محمدرضا شجریان و گروه حسین علیزاده، شکارچی قوی حلم در اروپا کنسرت های خود را اجرا میکنند.

استقبال فوق العاده ایرانیان از این دو گروه نشانگر توجه هم میهنان مان به موسیقی ایرانی است.

در برلین کنسرت شجریان در روز هفتم ماه مه بود برنا مه با قطعات تازه ای آغاز شد و سرانجام با قطعه پیر آواز مرغ سحر به پایان رسید.

هما نگونه که پیش بینی میشد بخشی از دوست داران هنر موسیقی ایرانی بعلت کمبود جا نتوانستند در شب اول شرکت نما یند و چنین شد که در روز بعد نیز برنا مه تکرار گردید. و در مجموع قریب به هزار نفر مشتاق در این دوشب در تالار موسیقی گرد آمدند که بخشی از این جمعیت را آلمانی ها تشکیل میدادند.

هفته ای پس از آن در سیزدهم ماه مه حسین علیزاده در برلین کنسرت خود را اجرا نمود. در بخش اول علیزاده با بدیهه نوازی و تک نوازی سه تار قطعه ترکمن را اجرا نمود. و در بخش دوم موسیقی لری نواخته شد. تا علیزاده که آنچه و آوا ی شکارچی و تنبیک قوی حلم مان کنسرت را به هجان آورد. برلین کمتر گواه چنین استقبال پر شور بوده است. این استقبال ها نشان داد مردم ما خواستار موسیقی پرتکا بو و متنوع تری هستند و علیزاده بدرستی به آن پاسخ مناسب را میدهد.

رفته و اینک حدیثی برای آنان که می زیند. حدیثی از رنج و عشق انسانها که با ساز در تنبیده، واگویی می شود و بر این اساس موسیقیدانها و آوازخوانان محلی راویان تاریخند، تاریخی عموما نا نوشته -

هر خلقی برای موسیقی خویش ابزار ویژه خویش را دارد. فرا تر رفتن از چها رچوب این ابزار، یعنی ارائه آن با استفاده و کمک سازهای دیگر ایرانی، در موسیقی محلی ایران بدیده ای است نوا و لیسین کار در این زمینه، کاری بود از شکارچی به نام "موسیقی خلق لری". این نوار که کمک علیزاده را نیز به همراه داشت، سرآغاز زبیکسری کارهای مشابه در ایران گشت که اکنون برای خویش جایگاه ویژه ای را دارا است و مقبولیت عام یافته است.

شکارچی که تا چند سال قبل در موسیقی ایران بعنوان نوازنده که آنچه حضور داشت و در این کارزار مهارت ویژه ای برخوردار است، اخیرا به خواندن نیز روی آورده است، هر چند حنجره وی با رای مقاله با پنجه ها بش نیست ولی طی این چند سال او نشان داده است که استعداد خواندن نیز دارد. پیشرفت چند سال اخیر وی در این امر شادمانی است گویا - ولی شاهکار رجا ماندنی وی همانا استفاده از سازهای دیگر ایرانی در کنارتها ز محلی است و بر این اساس

اگر می خواهی

شانه ام را ز مزه کشی

به بادی گوشت بسیار

کذبه در بیا می ریزد.

اگر می خواهی

آواها بیا بشتوی

سارهای را نگاه کن

که از تب مغر میکنند.

اگر می خواهی

شعرم را بخا طربساری

به قافله ای گوشت بسیار

که ز شگله زمان را می نکاشند

و آهوان را بیدار می کنند.

اگر می خواهی

با من بیایی

کوله بارت را بگذار

و برهنه به معدنستان رگان تیرباران شده ام بیا.

س - آگاه

شب کا نون نویسنده گان

شده بیستم ماه مه "شب کا نون نویسنده گان"

در فرا تکفورت برگزار شد. در این شب آقا بیا ن پرویز اوصیاء، اسماعیل خوشی، م. آرم و تنی جنید از نویسندگان و شعرا بیرون چونکی شکلگیری کا نون نویسنده گان و نیز برنا مه های کنونی آن سخن گفتند و دیدگاه های خود را بیرون چونکی حرکت کا نون طرح کردند. نسیم خا کما ر بیرون داستان نویسی در ایران سخن گفت و آقا بیا ن، خوشی آرم، م. سحر، سعید یوسف و خاتم مینا اسدی شعرا خواندند. بیا ن بخش برنا مه نیز کیتا را قسای سیروس ملکوتی بود.

جشنواره هنر ایرانی در لندن

بدعوت انجمن هنرمندان و نویسندگان

ایرانی در بریتانیا جشنواره ای هنری به مدت ۳ روز از چها ر شنبه سوم ماه مه تا جمعه پنجم ماه مه برگزار گردید. برنا مه های جشنواره شامل شعرا و دبیرات، موسیقی و تاتر بود. در بخش شعرا دبیرات یا زده شعر و نویسندگان از جمله اسماعیل خوشی، هادی خرسندی و... شرکت داشتند. هدف جشنواره میعاد بود با هنرمندان سرشناس و آشنائی با چهره های جوان هنری. در کنارتها جشنواره نما یشگاهی از آثار نقاشان ایرانی نیز ترتیب داده شده بود، به علاوه غرفه ها شای از هنرمندان و صنعتگران ایرانی، شامل غرفه نمایش عروسکی، سازهای ایرانی و قالیچه و فرشهای ایرانی.

جشنواره در مجموع خوب و موفق سازماندهی شده بود و ایرانیان زیادی را از همه نوع و تنبیک که در لندن مقیم هستند به خود جلب نمود. با وجود اینکه بلط آن نستانگران بود، اما هرتب ۳۵۰ تا ۴۵۰ نفر در آن شرکت مینمودند.

زیبا، اما نه چندان بجا

محمود فلکی داستان نویسی نبود. درزمینه شعر، مواردی که بتوان علائمی از ذهن داستا نپورر و زبان قصه گوی او یافت، به چشم نمی خورد. کسی البته چنین حقی ندارد که ورودش عروا به عرصه نشر و قصه مورد سوال قرار دهد. فلکی از این ویژگی در کار رهبر مند دیگری مستثنی نیست که زیبا ن و شیوه بیان عواطف خود را بیجا بدویرگزیند. یک نکته مهم دیگر این نیز نباشد که گفته گذشت، موضوعی که بنا به عادت بدان دچاریم؛ کمی که قبلا نامی در عرصه ای نجسته از قبل محکوم به ضعف نیست.

با اینهمه در مورد "پروا زدرچاه"، مجموعه داستانی که او منتشر کرده، چه میتوان گفت؟ خود این نام "مجموعه" داستان "شاید ما را در قضاوت خود محتاط جلوه دهد. او میتواند نام "مجموعه" خود عنوان "طرحها و قصه ها" بگذارد. این امر او را نیز تا حدودی از سبزه های مطمئن تری بهره مند میساخت. بسیار دشوار است که بتوانیم توقعات خود را از این طرحها بنا بر داستان بر آورده کنیم. در خوندانه ترین حالت، این توصیف امکان پذیر تر است: نویسنده بندی از جلوه جملای بر داشته و آنرا به جریان انداخته است. اما که با یک کمال این جریان را به کمک قلم نویسنده ببینیم، تنها با قطراتی، با خطی از خطوط نامرئی که چشمه را میسازند، مواجهیم. نویسنده حتی در این طرحها و بطورزی که ابداع ضروری نیست، قصه دروا و قهرمانان را دارد. حال آنکه در "قطع جیبی" قضا و پیردا ختیبنا و سطور محدود نوشته ها، مجال برای آن نمی ماند. در یک داستان کوتاه با پذیرفتن که اعمال، دیالوگ ها، توصیف مستقیم شخصیت ها و ارائه کاراکتر آنها برای بیان و القاء روحیات آنان به خواننده، کفایت میکنند. با اینهمه ما پنهان کردن این حقیقت که فلکی در طرح این داستانها موفقیت جدی داشته است، بی اعتنائی به توانائی ها و زیبائی های کار او است. طرح "قهرمان داستان" و تا حدودی "گم" و اجادین خصوصیت اند.

او که به موضوع سیاسی - اجتماعی بفرنجسی نظیر آنچه در حزب توده میگذرد پیردا ختیبنا را دارد که از موضع نفی سیاست به تنقید بلشئی های آن نشسته است. اشکال کار او در آنجا است که دیالوگها را تنها در سطح آورده است، دیالوگی که ممکن بود تنها در یک بحث سیاسی خیابانی شاهان بوده باشیم. اگر چنین گفتگوها، قواره طبیعی بسه داستان اعطاء کند، شاید ما از گام گذاشتن به سمتی متعددانه تر بجز خردا رد. در همین جا است که نویسنده اعتنائی به آن نشان نمی دهد. وقتی نویسنده بحثی سیاسی یا... طرح میکند، خود نما بنده هر دو جانب است و بیجا نگریشهای ترین مسائل آنهاست وقتی صحبت از ریشه ای میکنیم، به تازه بودن نیز که ویژگی هنری کار میطلد، توجه داریم بی اعتنا ماندن به کمال بحث، در عین ایجا زونمادی بودن آن، ما را در جای گزارشگر شده، یک واقعه سطحی معین می نشاند. امری که با کار آفرینشگر هنری مناسبتی

نقد کتاب "پروا زدرچاه"

ندارد. این اشکال که در کل مجموعه "پروا زدرچاه" مشاهده میشود سبب در یکی از داستانهای آن - داستان "مفحاهای پروا زدرچاه" - بطور برجسته - ای نمایان است. در داستان "مفحاهای پروا زدرچاه" که نمیتوان به بساطی آن بی تفاوت بود گستره ای در معرض دید ما قرار میگیرد. اما وجود تنها دو قهرمان، دونفری که محدود به بحث سیاسی یا دنده، از "سنگینی" آنها هم میگذرد، دو قهرمانی که تنها حول یک محور "زندگی" میکنند، ما را از گذاشتن نامرمان بر آن بر حذر میدارد. در عین حال، فراخ بودن غیر ضرور نوشته، شکل داستانی (کوتاه) آنرا زیر سوال میبرد. نویسنده در واقع در میان دوراهی مانده که هر یک از آنها با یک درد آغاز دوبیاد روی قرار دارند، اما هیچیک را نسیب نموده، او خود بنحوی بد این امر قوف دارد نگاه که برای بر کردن جاهای خالی و رفع منقل تکرار، قهرمانان را به گذشته شان رجعت میدهد، اما به این ترتیب: حال گذشته، حال گذشته و با زحال و گذشته آنها در مورد تنها همان دوشخصیت (سودا به ودا وود)، افراد دیگری هم آگروا در داستان میشوند که در تجدید خاطرهای همانندومی آیند. "پروا زدرچاه" را حتی نمیتوان "خلاصه" رمان "نامید. این داستان تنها یک مقطع، یک دریچه، یک زمینه، یک طرح از وظائف رمان را بعهده گرفته است.

زبان قصه: در اینجا نیز کمی احتیاط ضروری است. رویوژه از آن رو که نشری زیبا که در جای خود قرار گرفته زبان آنرا تشکیل میدهد، بیداست که فلکی خود را در جای یک ناقل قصه گوی ایرانی قرار داده در آن صورتی با دزبانی سنگین، آهنگین و حماسی بهره میگیرد. در یک رمان میتوان وقت خود را صرف تعابیر و توصیفات کرد. ولی در داستان و داستان کوتاه، پذیرفتن آن قدری دشوار است. این نشری با داستان کوتاه بودن را با خودش معین نکرده، نیست. "مورچه های اضطراب"، رخنه پذیرترین بخش با روی جان نشان کرده بود... تردید در گشودن در مجالاش میکرد... صدای زنگ، بار دیگر، دانه های سکوت را در جیب... سکوت بر گشود. در حضور چهره که بود سکوت، ما بخانه بیشتر عذاب میکشید... میسر سیده خرده های بیزاری که در نم چشمهایش حل شده بود... و این اید با این گفتگو نمیخواهد که از ریخت و ریتم نیز می افتد: "اره، آرد، کاری داشتیم با شو... گذشته از اینکه نوعی نزدیکی با نشر "کلیدر" - البته نه از موضع شانه - سائی و برابری، که در عین حال تقلید نیست - در آن

میتوان یافت، ولی خود این امر را اگر دولت آسادی به خواننده کلیدر آری تنها کلیدر - قبولانده، فلکی از بس آن برنیا مده است. موفقیت نشر آن احد - که در رمانهای او یکتواخت و خسته کننده میشود - دلنشین و حکایت گونه است. او حتی از ما در بزرگ - های فصیح و سلیغ بیشتر مینازد. بزرگ - سلیوی و خود دولت آسادی در آثار دیگرش، قدرت شگرف نشر داستانهای کوتاه و نونول ها را، نسبتا ده، بی تکلف و "ما در بزرگ" او را کشف کرده اند. با بداری نام بهرنگی، با قوتی، درویشان... مرهون همی - شناخت زمان و داستان در آنهاست. شاید فلکی در صورت آزمون نوعی بازی نویسی مخصوص - بسبب شغریه ها و یاکارهای شکسیر - میتواند نشر در اما شیک و حماسی موثری بیافریند.

گفتیم تا عربودن نویسنده را - که در داستان هم بیشتر خود را شاعر معرفی کرده - در قضا و تمسان دخالت نمیدهیم. با اینهمه ذکر این موضوع ضروری ندارد که در میان شاعران گاه داستان نویسی (کندو های شکسته - نیما - درها و دیوا و بزرگ چین - تا ملو و...) جایی برای دست کم گرفتن فلکی نیست. من شخصا مجموعه او را با اشتیاق بیشتری نسبت به دو مثال قبلی به اتمام رساندم. همین قدرت داستان برداری او است که خوش بینی اگرچه نامطمئن ما را که روزی خواننده داستانهای او در کنار اشعار او با شیم برمی انگیزد. تصویر پردازی، توصیف ها و تیب سازی او را نمی توان نستود، به همین سبب برداخت موضوعاتی تازه و عمیق را که در مقامی به موضوع خوبا ما رها شده، "پروا زدرچاه" لذتبخش و توجه بر انگیزانند. او در داستان نخست "پروا زدرچاه" این قدرت را نشان داده که میتواند ما را وادار به این سوال کند: "و بعد؟". نتیجه نیز تا میزان جدی مطابق با برداختها و تیب سازی های اوست. درست در پاسخ به همین پرسش، نظار که رتکوه پروا ز (اگر چه بریزدن درجه شبه شده) قهرمان ما دقتی هستیم در جایی که تراژدی نا آگاهی، عدم صداقت مدعیان و رهبران، رفته شدن کمترین احساس انسانی در جایی که عاطفه تبلیغ میشود آنرا حفر کرده است. براساسی بسیار دشوار است که در سطحی کم و بیست عمومی - در سویی با اقتضاج افزونتر و در جایی با تعصب فاجعه بار - ناظر صحنه ای با شیم که باور صادقانه، آدمی را بیرحمانه به تاراج میبرند.

س. م ۲۵ فوریه ۸۹

★
منتشر شده است:
طرح جدید اساسنامه

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



برلین: اول ماه مه

مناطق برلین است - دربرگرفت. به گفته مقامات دولتی نزدیک به ۲۲۰ پلیس زخمی گردیده و ۱۲۰ نفر از تظاهرات کنندگان نیز دستگیر شدند. این شورش تا صبح روز بعد ادامه یافت.

مراسم اتحادیه‌های کارگری نیز، طبق روال هر ساله در برلین برگزار گردید و حدود ۱۵ هزار نفر در آن شرکت کردند. و چون همیشه تظاهرات آرام بود و کارگران بطور سنتی در این تظاهرات شرکت میکنند و در واقع تظاهراتی است کارگری. استقبال نیروهای مختلف خارجی نسبت به سال گذشته از تظاهرات اتحادیه‌ها کمتر بود.

و اتحادیه‌های برلین سازمان ما، چون سالهای گذشته با سازماندهی و تظاهرات در خورتنده، جشن اول ماه مه را با شرکت در مراسم بزرگداشت این روز، و با بخش اعلامیه‌ها و عرَضه‌نمایشات سازمانی، گرامی داشت!

منظم‌ترین آنها ترکها بودند که همگی در صف واحد و با نمايش رقص و حرکت و شعار جدا بیت خاصی به راهپیمایی میدادند. برخی از نیروهای ایرانی از جمله، رفقای ما نیز در راهپیمایی همراه با حزب کمونیستهای انگلستان حرکت کردند. لنینیستها در ابتدا و انتهای راهپیمایی نمایی را در فضای چهره سرما به داری که در واقع گزارشی بود از اول ماه مه به اجرا درآوردند. در پایان راهپیمایی که در مرکز هنرهای زیبای لندن بود، نیروهای شرکت کننده در راهپیمایی میزکتاب و تبلیغات برپا کردند.

اول ماه مه در گوتنبرگ - سوئد

رفقای ما در شهر گوتنبرگ سوئد که از قبیل برای برگزاری اول ماه مه تدارک دیده و تا حدودی به پیشواز آن رفته و آفیشهای مربوط به اول ماه مه روز همبستگی رزمی طبقه کارگران را در سطح شهر چسبانده بودند، روز اول ماه مه از ساعت ۱۰ صبح در میدان محل تجمع و تردد نیروهای سوئدی و خارجی اقدام به برگزاری میزکتاب و نشریات (بعضی آنها فایسی، انگلیسی و سوئدی) کردند. محل میزرقابا آرام سازمان، تما و برما رگس ولنین و آفیشهای مختلف تزئین شده بود و جلب توجه میکرد.

بی از آن نیروهای سازمان در این شهر به دعوت رسمی حزب کمونیست (KPM) در مراسم تظاهرات اول ماه مه این حزب در کنار نیروهای چون جبهه، فابا بوندوما، جبهه، خلق برای آزادی فلسطین... جای گرفته و با آرام سازمان و شعارهای "سرتگون با جمهوری اسلامی، برقسرا" با جمهوری دمکراتیک خلق در سطح شهر اقدام به راهپیمایی کردند. در تظاهرات سال (KPM) بیش از ۱۶۰۰ نفر شرکت کرده و در پایان نمايشدهای از کنگره ملی آفریقا، جبهه، خلق برای آزادی فلسطین و همچنین رفیق کروس عضو دفتر سیا (KPM) و ولتریک از اعضای هنرمند و سرشناس

از سال گذشته در برگزاری مراسم اول ماه مه، در برلین، انشعابی رخ داده است. اکثریت گروههای چپ و "تونوم" و طرفداران "رافا" و بسیاری دیگر از منفردین و طرفداران اتونومها تلاش کردند، اما سال نیز، صف مستقل خود را تشکیل دهند و مسیر دیگری را برای تظاهرات در روز اول ماه مه انتخاب کنند. تلاش این گروهها، موفق تر از سال گذشته بود و توانست جمعیتی بالغ بر ۸ هزار نفر را به تظاهرات اول ماه مه بکشاند. اما خیلی زود، تظاهرات به خشونت کشیده شد. تظاهرات کنندگان در مسیر راهپیمایی چند فروشگاه بزرگ را به آتش کشیده و شیشه‌های مغازه‌ها و بناها را شکستند. دخالت پلیس و هجوم آنها به تظاهرات باعث حریق گردید که تنها میتوان به شورش جوانان تشبیه نمود و شما منطقه محل تظاهرات را - کمیکتی از فقیرترین و پرخارجی‌ترین

شب همبستگی با مردم ایران، عراق و ترکیه

لندن ۲۲ آوریل ۱۹۸۹ - به دعوت کمیته بر علیه کشتارها در ایران، عراق و ترکیه جلسه‌ای در لندن ترتیب یافت. "جرمی کوربین" شما بنده جناح چپ حزب کارگردانان، "ظهیرا لیا شی" روزنامه نگار عراقی مری دیز (دینیز) از سازمان "Rights and Justice" و یک ایرانی از کمیته "فداختنا در ایران (کاری)" سخنرانان این جلسه همبستگی بودند. نشست سپس به بحث آزاد پرداخت و مسائل ایران و یوپیژه مسأله‌های مردمی و جنایات جمهوری اسلامی بحث داغی را سرانگیخت. یکی از نکات برجسته مورد اختلاف بین ایرانیان شرکت کننده در بحث با عراقیها (سخنران عراقی) در مورد محکومیت رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بود که (سخنران عراقی) حاضرین در رژیم اسلامی را "بعضا" بخاطر مواضع ضد امپریالیستی! آن محکوم کند و بطور ضمنی از آن حمایت میکرد.

تعدادی از سخنرانان ایرانی ابغاد فاجعه آمیز اختنا و سرکوب در ایران را شکافته و مسئله عراقی‌ها نسبت به خطرات جنبش بان اسلامیتستی و اختلاف بان نیروهای طرفدار خمینی در عراق هشدار دادند. تجربه، جلسات از این نوع بوضوح نشان میدهند که بینش "دشمن دشمن من (هر که باشد) دوست من است" عمیقاً میان نیروهای مترقی خاورمیانه و در کشورهای عربی رواج دارد. نیروهای مترقی و انقلابی ایرانی باستی با تمام توان خود با این توهامات با ذکر نمونه‌های فاجعه باران در ایران که توسط طیف توده‌ای به اجرا درآمده، مقابله کرده و عمق ارتجاع حاکم بر ایران را با وضوح بیشتری به این نیروها توضیح دهند.

اول ماه مه در لندن

امسال نسبت به دو سال گذشته تعداد بیشتری در راهپیمایی اول ماه مه در لندن شرکت نمودند. از نیروهای خارجی شرکت کننده و سبعتریستن

این حزب سخنرانی نمودند.

مراسم اول ماه مه امسال با روحیه اشتیاق تا سیونا لیستی و تحلی آن سرودا نترنا سیونا ل خاتمه یافت.

گسی که با "شل" سوخت گیری میکنند به آپارتاید سوخت می رسانند

این شعارها در انقلابی در آفریقای جنوبی و همه نیروهای انقلابی در جهان است، و باسد باشد. نژادپرستان تلاش دارند که "شل" را خدمتکار حقوق بشر معرفی کنند اما سیاها در آفریقای جنوبی میگویند:

"برای ما تعجب آوراست که "شل" خدمتگزار حقوق بشر از آپارتاید شده است. ما همینقدر در باره این شرکت میدانیم که وسایل نقلیه‌ای ارتش که سوی محله‌های ما، حتی کودکان را ملأ به خاک و خون میکشد از بنزین این شرکت سوخت میگیرند. هواپیماهای آفریقای جنوبی که بر سر مردم موزامبیک و آنگولا بمب می‌ریزند هم از این شرکت سوخت میگیرند. به همین خاطر ما عقیده داریم که "هرکس که از شل سوخت گیری میکند به آپارتاید سوخت می رساند".

شل Shell، شرکت انگلیسی - هلندی، با میلیاردها دلار در سال (میلادرمال ۱/۵ میلیارد دلار) در سال ۱۹۸۸، بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در کشور آفریقای جنوبی است. آفریقای جنوبی به مناسبت نفت دسترسی ندارد و این امر باعث شده است که اقتصاد آن کشور است. اما "شل" آمریکا، یوپیژه پس از تحریمات و یک، تلاش در رفع این کمبودها شده و دارند. علاوه بر واردات نفت، این شرکت دارای بزرگترین لاینگها نفت در قاره آفریقا است. شل روزانه ۸۰۰۰۰۰ لیتر نفت به آفریقای جنوبی میرساند که عمدتاً باک و سائل نقلیه‌ای ارتشی را بر می‌کند. "شل" با صنایع نظامی آفریقای جنوبی حتی کارخانه‌های تولید سلاح نیز را بطه نزدیک می‌دارد و به آن‌ها نیز سوخت میدهد. شل علاوه بر واردات نفت، دست به صادرات زغال آفریقای جنوبی نیز می‌زند و فقط در سال ۱۹۸۷ ۷/۳ میلیارد تن زغال از کشور ما در کرده است. علیرغم زشت‌های دموکراتیک شرکت "شل" در آفریقای جنوبی، عملکرد این شرکت نشان دهنده است که حاکمیت آپارتاید است و فقط به جیب خود فکر میکند.

نیروهای مترقی هلندی، سوختگیری از بنزین های شل و استفاده از فرآورده‌های نفتی این شرکت را تحریم کرده‌اند، کاری که به گفته‌ی دکتر "آلان بوزکا" از شخصیت‌های برجسته کنگره ملی آفریقا، همه نیروهای مترقی در جهان باید انجام دهند، چرا که او هم معتقد است:

"گسی که با "شل" سوختگیری می‌کنند به آپارتاید سوخت می رسانند".



مصاحبه با :

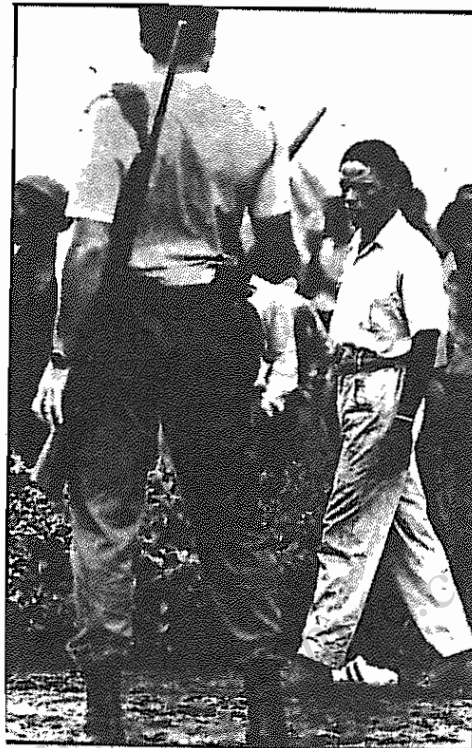
نماینده گنگره ملی افریقا
بخش دوم

س : آخرین اخبار و تحلیل ANC از شرا بر سر خط در افریقای جنوبی چیست ؟

ج : مسائل زیادی در افریقای جنوبی اتفاق افتاده اند. رژیم افریقای جنوبی هرگز در تاریخ خود تا به این اندازه تحت فشار نبوده است. بخش عمده این فشار از جانب توده داخل کشور میباید باشد. فشار از جانب بخش نظامی ANC که عملیات خود را گسترش داده است و همچنین فشار از جانب نامیبیا، آنگولا و نیروهای مشترک آنگولا و کوبا. علاوه بر این مسائل، فشار بین المللی از جانب کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای فدآپا رتایدی در کشورهای غربی و سازمانهای بین المللی مثل سازمان ملل و دولت‌های کشورهای غربی نیز وجود دارد. این فشارهای شدید همه جا نرفته افریقای جنوبی را وادار به آغاز حمله‌هایی کرده که ما آنرا "حمله فریبنده" می نامیم. این حمله جهت یافتن حامی در میان مردم داخل کشور، نامیبیا و جلب حمایت بین المللی است.

افریقای جنوبی دست به دو عمل متضاد زده است از یکسو - آنطور که نامیده میشود - "حمله فریبنده" و از سوی دیگر عملیات گسترش یافته و خونت آمیز بر علیه مردم در کشور تعداد درجه سیشتری از مردم محکوم به زندان میشوند. تعداد درجه بیشتری حکم اعدام صادر میشود، تنها ۱۱۷ نفر در نوبت اعدام سر میگیرند. تعداد بیشتری حلق آویز شده اند. افزایش شکنجه و بازداشت مخصوصا کودکان و افزایش کنترل بروسانل ارتباط جمعی از آن جمله اند. تا پایان سال بیش از ۳۰ جنبش دموکراتیک توده‌ای تحت توقیف درآمده اند. البته رژیم افریقای جنوبی اینکار را نه به یکباره بلکه با مهارت و به تدریج انجام داده است. رژیم افریقای جنوبی حتی وسائل ارتباط جمعی دنیا را نیز تحت کنترل خود در آورده است. خبرنگاران داخلی دچار خودسانسوری شده اند تا از مجازات و سانسور بگریزند. سانسور این ما شا هدم محدودیت آزادی بیان از جانب این رژیم می باشد. ما شا هدم محدودیت و توقیف افراد هستیم. مواقعی که رژیم فعالیت یک سازمان را ممنوع نمی کند، فعالین آن سازمان را با شیوه های مختلف از جمله بازداشت در خانه خود فلج می سازد. رژیم "جوخه های ختم" خود را افزایش داده است. اینها دسته های مجرمینی هستند که توسط دولت برای کشتن، آدم ربائی و سوزاندن خانه های مبارزین استفاده شده اند. آنها در افریقای جنوبی و نامیبیا وجود دارند. میزان ترور هیچگاه در کشور تا به این اندازه بالا نبوده است.

از سوی دیگر رژیم افریقای جنوبی تسلطی میکند تا "خوب" هم باشد. با تظاهراتی که در فورم در سیستم آپارتاید، تلاش برای وجود آوردن رهبران ما نه روسبا هیوست و وجود آوردن یک مجلس



مشکل از سه بخش: بخش سیاه پوستان، هندی ها و بخش سفید پوستان، البته با این تفاوت که قدرت تنها در دست بخش سفید پوست مجلس است که میتواند در مورد مسائل کلیدی از جمله سیاست خارجی، دفاع و امنیت و غیره تصمیم گیری کند. هندی ها و ساکنان تنها در مورد مسائلی که تا مل مشکلات نژادی شان میگردد و مسائل جزئی که تحت عنوان مسائل ملی قرار میگیرند حق تصمیم گیری دارند. مطابق همین سر تا معای رژیم اقدام به برگزاری انتخابات در اکتبر ۸۸ کرد. تنها ۲۰ تا ۲۵ درصد مردم در این انتخابات که صورت رتوه به سیاه پوستان را داشت شرکت کردند و این بیروزی بزرگی برای جنبش محسوب میشود. در حال حاضر رژیم تلاش میکند که عروسکهای سیاه پوست خود را در مجلس جمع کرده، به مردم بباشد و رانده که آنها نیز در راه کشور خراب هستند. متحدین غربی افریقای جنوبی نیز با این ترفند را بخوبی خریده اند و اظهار میکنند که افریقای جنوبی دست به فریب زده است.

یکی دیگر از اقدامات رژیم در جهت فرسودن به جنبش ما حمله به کشورهای هم مرز است که به ANC با یگانه داده اند. آنها به بهانه تعقیب نیروهای ANC به بمباران مناطق مسکونی این کشورها اقدام میکنند. به این امید که ما مثلا کشتن بسک زامبیائی و یا از زمین بردن زمینهای آنها، باعث ایجاد نفرت از ANC گردند. متاسفانه کشورهای هم مرز ملت بافت مستعمراتی خود شدت به افریقای جنوبی وابسته اند. رژیم افریقای جنوبی عدا با

تا خرید و تحویل و یا قطع مواد مورد نیاز از سیاه پوستان، آنها را در فشار رندید و قتلها را قرار میدهد و حتی از آن بیشتر با وجود آوردن دسته های مزدور مسلح در این کشورها از جمله MNR در موزامبیک، UNITA (یونیتا) در آنگولا، در زیمبابوئه و زامبیا رژیمهای این کشورها را تحت فشار میگذارد. افریقای جنوبی میخواهد این کشورها را به زانو در آورده تا تبدیل به عروسکهای فرمان بردار روی گردند. اما خوشبختانه این کشورها قوی و مخالف رژیم افریقای جنوبی هستند. در این رابطه ما دیدیم مسئله آنگولا اشاره کنیم. ANC تصمیم گرفته است تا نیروهای نظامی و غیر نظامی خود را از آنگولا خارج سازد. ما این مسئله را یک مشکل موقت ارزیابی میکنیم. ما فکر میکنیم از نقطه نظر سیاسی و استراتژیک ما در حال حاضر با با آنگولا از آنجایی که شویم و این ضربه ای به مبارزه ما وارد نمی کند. ما میخواهیم آنگولا فرستی بیا بد تا به پیشرفتهای اقتصادی خود سد آنکه تمام تحت فشار افریقای جنوبی قرار داده شده است. ما باید ما معتقدیم که آنگولا به فداکاری عظیمی برای مبارزه با ANC و با میباید دست زده است. ما نمایی - خواهم آنگولا را تا سرحد تلاشی تحت فشار بگذاریم. ما این را در جهت همبستگی با آنگولائی بینیم. البته این حقیقتی است که ANC با مشکلاتی در جهت جا - بجایی نیروهای خود و استقرار رندیدک آن به داخل مرزها روروش شود، اما بهر حال این بهائی است که اغلب هر حسنی در مبارزه خود با دیدن رسیدن به نتایج مطلوب آسوده بپردازد. یک قدم به عقب و چپا ر قدم به جلو! ما شرایط آنگولا را درک میکنیم و میدانیم که آنها نشانه های د بگر به حمایت از ما ادا خواهند داد. آنگولا به یک فرصت برای تقویت کشور خود را میدهد.

افریقای جنوبی به تلاشی در کشورهای غربی دست زده است. آنها به یک مبارزه تبلیغاتی چندین میلیون دلاری در سراسر دنیا اقدام کرده اند. بروشورهای بسیار گران قیمتی با این مضمون که ANC تروریست است و آنها متهمند میباشند چسب کرده اند که همین الان در همین سوئد بخش میشود. ما هنوز موفق به عملی شدن یک محاصره اقتصادی همه جا نبوده ایم. ما الان یک محاصره اقتصادی نیم بند اترات خود را بر افریقای جنوبی نشان داده است. در مورد نفت افریقای جنوبی همواره میگویند که کشور به اندازه ۵ سال ذخیره نفتی دارد. ولی این اصلا حقیقت ندارد. اگر همین امروز واردات نفت به این کشور قطع گردد، افریقای جنوبی نمی تواند بیش از ۶ ماه دوام آورد و آنها اینرا به خوبی میدانند. آنها همچنین مجبور هستند ما را سنگین کنند. صرف خرید نفت از بازاریا به کنند. مثلا از ایران، حمل و نقل نفت به افریقای جنوبی از آن نیست زیرا کشتی ها از حمل نفت به مقصد افریقای جنوبی میترسند. اتحادیه های کارگری حمل و نقل دریائی از با ر گیری نفت به این کشور خودداری میکنند. بنا بر این رژیم افریقای جنوبی مجبور

مباحثه با ...

است از تعدادی از شرکت‌های کشتیرانی شیپکار برای حمل و نقل نفت استفاده کند که طبیعتاً مخارج تا مین نفت را چندبرابر میکند.

این مشکلات در مورد دیگر کالاهای نیز صدق میکند. کشورهای دیگر برای تجارت با آفریقای جنوبی دچار مشکلات بزرگی هستند. آنها با بیدک کشور ثالث را برای مارد کردن مواد به آفریقای جنوبی پیدا کنند. آفریقای جنوبی نیز مجبور است برای صادرات مواد خود از یک کشور ثالث برای شغیر نام کالاهای خود استفاده کند. مثلاً یک دانه بطور ناگهانی ما می بینیم که لموتو موز ما در می کنند در حالی که در لموتو حتی یک دانه موز هم عمل نمی آید!

آنچه ما میگوئیم این است که اقتصاد آفریقای جنوبی بیشتر از این تحمل مشکلات موجود را ندارد. آفریقای جنوبی در صدد تقاضای وام از بانکها است اما آنها جواب رد میدهند، البته نه برای اینکه آنها سه مبارزه ما علاقه‌ای دارند، بلکه دل آنها برای پول‌های خودشان میسوزد. آفریقای جنوبی نمیتواند منافع آنها را تامین کند. مسئله دیگری که در مقابل این کشور وجود دارد مسئله آنگولا است. جنگ با آنگولا برای آفریقای جنوبی خیلی گران تمام شد، چه از نظر مالی و چه از نظر جانی. ارتش ۹۰۰ نفری آفریقای جنوبی بالاخره در مقابل حمله مشترک نیروهای آنگولا و ارتش آنترونا سیونا لیست کوبسا شکست خورد. آفریقای جنوبی اتوریته نظامی و سیاسی خود را در منطقه از دست داد. ارتش بزرگ سفید پوست توسط "ارتش فقیر سیاه، گرسنه و تازه کار" آنگولا شکست داده شد. این خیلی درد آور است! ارتش سفید پوژا در آفریقای جنوبی از "ارتش فقیرو کمونیست" کوبا شکست خورد! این ثابت کرد که آفریقای جنوبی یک قدرت نظامی نیست. ایسین شکست سیاسی نظامی باعث بوجود آمدن انشعاب در حزب خاکم "نا سیونا لیست" شده است. جناح راست میگوید که رژیم دیگر قدرت دفاع و حمایت از مفیدها را ندارد، که رژیم دارد به سیاهان و کمونیستها مبارزه جناح دیگر میگوید: چرا نباید با ANGO مذاکره کرد. بنا بر این ما باید یک شگاف در داخل خود نژاد - برستان سفید مواعه هستیم. بسیاری از آنها برای مذاکره وصحبت در خصوص از میان برداشتن آپارتاید به ANGO مراجعه میکنند، البته از میان برداشتنی که حتی برای آنها هم آزادی نمی آورد.

س: چه عواملی در آفریقای جنوبی با زدن رنده پیروزی ANGO می باشند؟

ج: اولین انتقال دبه خود ما بعنوان ANGO در این است که ما از یک تشکیلات محافظه کار شروع کردیم و این وقت و انرژی بسیاری از ما گرفت تا این تشکیلات را در گرو کنیم. امروز ما به چیزی کمتر از دمکراسی و برابری کامل بسنده نمی کنیم. در تشکیلات ما هنوز کمانی هستند که میگویند سیاه و سفید نمی توانند در کنار هم در یک تشکیلات کار کنند و این مسئله به مبارزه اصلی ما لطمه میزند. ما در حال فاش کردن آمدن برای بین مشکل هستیم. امروز

در ANGO به روی همه با زاست، اما این راهم رفقای ما کا ملانمی پذیرند. هنوز هستند کسانی که میگویند ANGO در جنبش را به مفیدها و کمونیستها می باز دومی - گویند چطور ممکن است مفید و سیاه یعنی است شما رگر و است شما رشونده در کنار هم بجنگند، ما فقط سیاهان را می خواهیم.

اما سیاه بودن به معنی پرولتربودن و بالطبع سفید پوست بودن بمعنای کا بیثا لیست بودن نمی باشد. این خود یک تحلیل نژاد پرستانه بحسب تحلیل ایدئولوژیک از قضیه است. اما اکثریست مردم مواضع ANGO را در این مورد پذیرفته و حاضر به همکاری در چرخه رچوب این مواضع میباشند و ایسین البته به معنای ۱۰۰٪ مردم نیست.

مسئله دیگر مبارزه مسلحانه میباشد. ما و سواپو SWAPO تا بدتنها نیروهای با شیم که نیروهای نظامی خود را در از مرزهای کشورهای بمان داریم. ما برخلاف دیگر مرزبانان کشورهای مختلف، دارای یک منطقه آزاد تحت کنترل خودمان در کشورمان نیستیم. آفریقای جنوبی از نظر امنیتی و حفاظتی بسیار قوی است. شیوه نظامی ما چریکی است و برای این امر باید استراتژی و ابزارهای خود را داشته باشیم. مثلاً وقتی یک چریک وارد کیب تا ون میشود، جنگلی وجود ندارد تا خود را در آن پنهان کند، بلکه ناچار است به خانه یکی از ساکنین برود. باید ما هم خانه را قانع کننده نقش را بطهوی را بسا جهان خارج ایفا نمایند. نیروهای امنیتی تمام حیات شهر را زیر کنترل خود دارند. بنا بر ایسین بوجود آوردن شبکه‌ای که عمل نماید وقت و نیروی زیادی میگیرد. نیروهای امنیتی با استفاده از معطلات مردم از جمله بیکاری و فقر تعدادی از زبانهان را خریداری میکنند. پلیس افرادی را که دستگیر شده‌اند، به اعدام محکوم کرده است و افرادی را که در وحشت از پلیس بسر میبرند به جاسوسی و امیدارد. بنا بر این ما به طرق مختلف نیروهای خود را از دست میدهم.

وقتی شما با رژیم آفریقای جنوبی میجنگید، یعنی بله کشورهای امپریالیستی میجنگید. زیرا آنها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در آفریقای جنوبی کرده‌اند و بهینوی به این کشور در شکستن محاصره اقتصادی یا ری میروانند. بزرگترین مشکلی که ما در این رابطه داریم جلب این کشورها به سمت خودمان و جدا کردن آنها از رژیم آفریقای جنوبی می باشد. ما نزدیک به ۳۰ سال است که برای تغییر نظر کشورهای غربی مبارزه میکنیم و در حال کسب پیروزیهای نسبی با شیم. البته ما هنوز کما ملا موفق نشده‌ایم. اما توانسته‌ایم دامنه حمایت این کشورهای از رژیم آفریقای جنوبی را مشکل و مشکلاتو نما شیم. امروز آنها مجبورند عذر موجهی برای ایجا در رابطه با آفریقای جنوبی بیاورند البته این بدان معنی نیست که آنها میخواهند به حمایت از این رژیم ادامه دهند زیرا میدانند بدون حمایتشان رژیم آفریقای جنوبی به سرعت سقوط خواهد کرد. آنها میدانند که در آفریقای جنوبی معادن مهمی که ارزش استراتژیک دارند، وجود دارد. آنها می -

دانند رژیم آفریقای جنوبی متحد غرب است و منافع غرب را در مقابل کمونیسم حفظ میکند و وقتی به این موضوع خاص میرسد همه کشورهای غربی یکبارچه متحد میشوند. آفریقای جنوبی روابط سری با ناتو دارد و تا دل اطلاعات نظامی بین آنها وجود دارد. از سوی دیگر ما، مردم و جنبشهای فدائیان را با این کشورها فشا هر چه فزون تری بر دولت آنها و با رلمانهای خود برای اتخاذ مواضع مترقی در مقابل آنها را بدوای می آورند. با نکها و کمپانیها که با آفریقای جنوبی ارتباط دارند توسط مردم مورد تهدید قرار میگیرند. بسیاری از آنها مبالغه هنگفتی را در این رابطه زدند داده‌اند.

و بالاخره اینکه دشمن بسیار قوی است و ما باید این مسئله را بسینیم. انکار این مسئله به معنای خودکشی است. س: نقش زنان در آفریقای جنوبی و در مبارزه بر علیه رژیم آپارتاید چیست. آیا زنان نقش مهمی را در این مبارزه ایفا کرده‌اند؟

ج: آری و نه! زنان ما در سه مرحله تحت استثمار قرار میگیرند. بعنوان زن، بعنوان کارگر و به عنوان سیاه پوست. کارگران زن مورد تشددترین استثمار در آفریقای جنوبی قرار دارند. هر کاری که به زنان سیاه داده میشود، کمترین دستمزد را دارد. در نظر بگیرید مثلا کارهای خانگی بسیاری سفیدها را، زنان بیشتر از مردان رنج میبرند زیرا این آنها هستند که در کنار رطابقت فرسا باید از کودکان نیز نگهداری کنند. وقتی که مردها ما هم برای کار در معادن یا در بارها زدن و زدن بسر میبرند و یا حتی وقتی که مردها در خانه هم هستند، این زنها هستند که باید کارهای خانه را انجام دهند.

زنان شانه‌شان مردان مثلا در اتحادیه - های کارگران و یا بافندگان، بطور سیاسی فعال بوده‌اند. آنها با زحمت بسیاری خود را متشکل کرده‌اند. زیرا حتی مردان آفریقایی هم برابری زنان را نمی پذیرند. بنا بر این زنان مجبورند حتی در داخل جنبشهای مترقی برای برابری خود بجنگند. ما زنانی داریم که از اولین مراحل مبارزه در کنار مردان، زندانی، شکنجه و کشته شده‌اند. در سال های ۶۰ بود که زنان دست به تظاهرات سینه‌های بر علیه "کارتهای شناسایی عبور" که آنوقت تنها به مردان سیاه برای حق عبور و مرور داده میشد، زدند. آنگاه هی سیاسی زنان آفریقایی در حال رشد است زیرا آنها کتا ر نمی نشینند. آنها نه تنها خود مستقیماً در مبارزه شرکت میکنند بلکه همچنین بعنوان مادر، همسر و دختر... مردانی که به زندان میروند، شکنجه و اعدام میشوند نیز زجر میکنند. ما زنانی داریم که در بازوی نظامی ANGO می جنگند و سربازان بسیار خوبی هستند. ما در مبارزه خودمان هیچ شبهه‌ای در توانایی زنان در امر مبارزه نداریم. من زنسان و دختران جوان بسیاری را دیده‌ام که زندگی عادی خود را کنار گذاشته و به صف مبارزه پیوسته‌اند. در جامعه ما زنان اینطور پرورش می یافتند که به

ناتو: میلیتاریسم در تنگنا

درواقع نیز پیشنه‌ها در شوروی از این لحاظ که دکترین نظامی تجاوزگرا نه غرب را به بین بست می‌اندازد برای اهمیت بلندمدت قابل ملاحظه‌ای می‌باشند، زیرا بر طبق استدلال‌ها طراحان میلیتاریست، غرب تنها با کمک سلاح‌های اتمی می‌تواند برتری



بیمان ورشودر زمینه سلاح‌های غیر هسته‌ای را جبران کند و این استدلال اکنون با وضوح به بین بست رانده شده است. هم‌اکنون دولت آمریکا و متحدان درجه اول آن انگلستان در این مورد که چه ضرورتی به لحاظ نظامی وجود دارد که موشک‌های با برد کوتاه موجود، توسط موشک‌های مدرن‌تر جایگزین شوند، به سختی می‌توانند ساندای بر سر کار خود را در نا تو قانع کننده، بعلوه، پیشنه‌ها در شوروی در مورد کا هوش نیروهای غیر هسته‌ای دو پیمان، مواضع فنی و سیاسی بیشماری را که بر سر مذاکرات جاری در وین در این مورد وجود داشت به یکباره به کناری می‌زنند و برای غرب چاره‌ای جز این باقی نمی‌گذارد که مثلاً دعا کند که تسلیحات شوروی مدرن تر هستند. ادعائی که به سختی قابل دفاع است.

اما مهمترین عواقب کنونی پیشنه‌ها در شوروی، اثرات آن بر لحاظ دگرگون کردن بنیاد نهایی مناسبات بین ملل می‌باشد. این مناسبات که از سوی امپریالیسم بر اساس با جگیری آشکاروبی اعتنائی به حق شعبین سر نشود و در وجه خاص در رابطه با کشورهای سوسیالیستی بر اساس اصل "ترساندن اتمی" استوار است، اکنون در همین وجه معین زیر حمله قرار گرفته است. در مقابل اصل ضروری بودن حفظ صلح با اتکاء به سلاح‌های اتمی که بر طبق آن گویا کشورهای سوسیالیستی از ترس جنگ هسته‌ای دست به تجاوز نظامی به غرب نمی‌زنند، اصل امنیت متقابل، بدون سلاح‌های هسته‌ای و بی‌حداقل توان رزمی غیر هسته‌ای، توانی اساساً دفاعی و برابر با توان حریف، طرح میشود و تعرضات دیپلماتی شوروی از این موضع صورت می‌گیرد. مبارزه برای تحمیل اصل امنیت متقابل بسودن تردید مبارزه‌ای دشوار است که با چالاک دیپلماتیک می‌باید صورت بگیرد. این مبارزه در شرایطی که جنگ

هم‌بندلیل اهمیت حیاتی مناسبات اقتصادی ماکورهای اروپای شرقی مایل نیستند که میلیتاریسم افشارکسیخته‌ای را که از سوی آمریکا و انگلستان دنبال میشود، بدون چون و چرا مورد حمایت قرار دهند، برعکس آنها به دلائل فوق، خواهان مناسبات عادلانه‌ای با کشورهای سوسیالیستی و اشخا دنیا هستند. نظا میگری کنترل شده در قبال این کشورها هستند. در کشاکش‌های چندماهه اخیر بین آلمان و آمریکا بسیاری از کشورهای اروپائی و در واقع اکثریت اعضای نا توه موضع آلمان تمایل دارند. سیاست خارجی اتحاد شوروی به استفاده از شکاف موجود در نا توهی آورده و در مناسبات لحظه، یعنی در اوج دعوا پیشنه‌ها را مطرح نمود که می‌توانند تسلیحات اتمی ناکاف فوق منجر شود. بر طبق این پیشنه‌ها که در مسکو به بیکروز برخا رجه آمریکا داده شد، شوروی تعداد ۵۰۰ کلاهک هسته‌ای خود را از زوری موشک‌های برد کوتاه، سمسپا و خمپاره‌های اتمی برخوردار داشت و علاوه بر این کلاهک‌ها تا ۱۰۰۰ موشک در اختیار دارد. شوروی می‌تواند رزمی غیر هسته‌ای برابر با داشته‌ها باشد، به مذاکره بپردازد. بطور مشخص شوروی پیشنه‌ها می‌کند که هر یک از دو پیمان نیروی نظامی خود را به مقدار زیر محدود کنند: ۱/۳۵ میلیون سرباز، ۲۰ هزار تانک، ۲۴ هزار توپ، راکت و خمپاره‌انداز، ۲۸ هزار نفر بر زرهی، ۱۵۰۰ هواپیما و ۱۷۰۰ هلیکوپتر نظامی. قسمت اول این پیشنه‌ها که تا ظر بر رسیدن یک جانبه، ۵۰۰ کلاهک هسته‌ای است، هدفی جز اعلام عملی بودن کاهش تعداد کلاهک‌های هسته‌ای و سخت‌افزارهای حامل آنها - موشک، هواپیما و غیره - ندارد و قسمت بعدی پیشنه‌ها در شوروی با این هدف بیان میشوند که غیر ضروری بودن سلاح‌های هسته‌ای در شرایط برابری توان رزمی طرفین را مدلل کنند.

وقتی که جیمز بیکر در پان مسافرت خود به عنوان وزیر خارجه آمریکا به شوروی برای مطلع نمودن هم‌تاهای خود در سایر کشورهای عضو نا توه بروکسل آمد، به سختی می‌شد تا نکاس در مانندی و بین بست را در چهره‌اش نخواند. وی در مسکو به گرمی مورد پذیرائی قرار گرفته و حتی با خود گوربا چف به مذاکرات مستقیم پرداخته بود و اگر ضربه مهلکی که در طی این مذاکرات به استراتژی نا توه زوسی طراحان دیپلماتی شوروی وارد شد، نرسد، قطعاً بالبان خندان در بروکسل راجع به بهبود حقوق بشر در شوروی و سایر موضوعات مشابه به همکاران خود گزارش میدادند. اما در شوروی چه پیشنه‌ها را می‌توان طرح کرد و دیگر کدام زمینه‌ها را؟

نطق گوربا چف در مجمع عمومی سازمان ملل که طی آن وی کم‌کردن یک جانبه نیروهای نظامی شوروی به مقدار ۵۰۰ هزار سرباز را اعلام کرده بود، آغاز دور جدیدی از تهاجم دیپلماتیک شوروی در زمینه خلع سلاح در اروپا بود. اهمیت اقدام شوروی اساساً در آن بود که این کشور آمادگی خود را برای کاهش تسلیحات غیر هسته‌ای از طریق کاهش یکجانبه نیروهای رزمی خود در شرق اروپا بنمایش گذاشت و جنبه اقدامی معنی دیگری بجز در بین بست قرار داد حریف در زمینه تسلیحات اتمی و بطور خاص موشک‌های با برد کوتاه نداشت زیرا استراتژی نظامی نا توه بر اساس این استدلال که پیمان ورشود را برتری همه‌جانبه‌ای در زمینه تسلیحات غیر هسته‌ای است، هرگونه صرف نظر کردن از موشک‌های فوق را رد می‌نمود. این استراتژی اما بویژه از سوی آلمان مورد تردید بود، زیرا اولاً دلائل داخلی دولت ائتلافی هلموت کهل نمی‌توانند مدرنیزه کردن موشک‌های با برد کوتاه را که اساساً در خاک آلمان مستقر میشوند، بدون توجه به پیشنه‌ها در صلح گوربا چف بپذیرد و لذا خواهان مذاکره در این مورد با شوروی و اتخاذ تصمیم به بعد از ۱۹۹۲ می‌باشد و تا این دولت سیاست درازمدتی را تعقیب می‌کند که بر طبق آن منافع مالی و صنعتی آن بویژه در زمینه مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی، نمی‌تواند با رودررویی سیاسی و دیپلماتیک جدی با شوروی بخاطر نیافتن برای اقتصاد آلمان فدرال که دارای گسترده‌ترین مناسبات با زرگانی با شوروی است، امروز مسئله اصلی همانا تسلیحات روابط اقتصادی موجود است. با معنی فعل و انفعالات دیپلماتیک به منافع بلندمدت این روابط است. اینکه در پشت این سیاست تا چه حد نیت تبدیل نمودن آلمان به یک قطب سیاسی مقتدر در اروپای مرکزی نهفته است و اینکه این کشور واقعاً تا چه میزان خواهان فاصله گرفتن از آمریکا است، در شرایط فعلی به سادگی قابل ارزیابی نیست، اما آنچه که قطعیت دارد این است که دست راستی‌های حاکم در این کشور هم‌بندلیل تلاش برای ماندن بر سر قدرت در انتخابات ۱۹۹۱ و

نا تو: میلیتاریسم در تنگنا

طلبان به سختی حاضر به ترک مواضع خود هستند، اما با بسیج مردم طرفدار صلح در کشورهای بزرگ سرما به داری میتوانی موفقیت به پیش برده شود در این عرصه است که راست نوبین شکستهای دیپلماتیک مهمی را تاکنون پذیرفته است. نطق اخیر جورج بوش در دنا نشگاه تگزاس در هوستون بخوبی نشان داد که بدون نگارگری اهرم فشار توده های از سوی شوروی، سردمداران راست نوبین تنها به بزرگ کردن مواضع کهنه خود اکتفا میکنند. وی در این نطق که ۲۴ ساعت بعد از اعلام پیشنهادت شوروی ایراد شد، بدون کوچکترین اشاره ای به این پیشنهادت با ذکر کلیات و با پیشنهادت مضحکی از کنترل دو جانبه هوایی آنها در عصر ما هواره های تحسی، بخوبی فاصله عظیمی را که بین مواضع جناح ها را میرساند، مواضع شوروی وجود دارد، بنمایش گذاشت و به این دلیل مورد اعتراف تحسی روزنامه های دست راستی آمریکا قرار گرفت.

تنگنای کنونی گراشات میلیتاریستی یا تو، بدون تردید معنی آن نیست که دیپلماتی غرب بیکار رنشته و برای برکردن شکاف موجود اقدام نخواهد کرد. هم اکنون آمریکا علائمی از "عقب نشینی" از مواضع قلبی خود در قبال مسئله موشکهای برد کوتاه را نشان داده و مثل تلاش دارده که آلمان را راضی کند که با قبول اصل مدرنیزه کردن موشکها، عملی بودن مذاکره در چند سال بعد را عنوان موضع مشترک مورد توافق قرار دهد. واضح است که این موضع بمعنی مدرنیزه کردن موشکها و دادن وعده سرخرمن مذاکره مثلاً ۵ سال دیگر به بعد است و اما با همان موضع آمریکا است، ژنرال گالویسن فرمانده نظامی کل نا توشیز در مصاحبه با هفته نامه تا یمز در قبال پیشنهادت جدید شوروی نکاتی را بیان کرده است که بخوبی بحران استراتژی نظامی نا تو دست و پا زدن ما بیوسانه سردمداران آترانشان

گشوروزیر خراج آلمان در دیدار یک روزه خود از انگلستان، نتوانست با دولت این کشور در مورد مسئله موشکهای برد کوتاه به توافق برسد.

حزب دیمت زاستی اتحادیه سوسیال مسیحی آلمان که در ائتلاف حاکم در این کشور شرکت دارد اعلام نمود که تحت هیچ شرایطی به برچیدن موشکهای سا برد کوتاه تن نخواهد داد.

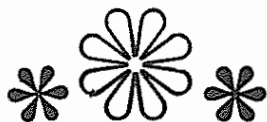
رئیس جمهور آمریکا در نطق در دنا نشگاه هوستون اعلام کرد که آمریکا حاضر به برچیدن موشکهای سا برد کوتاه در اروپا نیست.

مبتزان در دنا رخود ما بوش، به موضع آمریکا در مورد مدرنیزه کردن موشکهای سا برد کوتاه ابراز تمایل نمود. وی قسلاً از موضع آلمان در این مورد جا بجا باری کرده بود!

دندار روزی دفاع آلمان و آمریکا در مورد مدرنیزه کردن موشکهای سا برد کوتاه هر سال بدون نتیجه ختم یافت، اما شایعاتی در مورد رسیدن طرفین به توافق وجود دارد که طبق آن آمریکا حاضر است در صورت بیطرفی مذاکرات جاری در وین در مورد سلاحهای غیر هسته ای در اروپا، به مذاکره در مورد موشکهای فوق تن دهد.

میدهد، وی در مورد این پیشنهادت که توان رزمی دو بیمان کا ملابرا برپا شد، میگوید که صلح در اروپا هیچگاه ما پائین بودن توان رزمی طرفین در حد مساوی بدست نمی آید. این حرف بمعنی آن است که غرب حاضر نیست جز از طریق مبارزه تسلیحاتی و چیز با زبان زور به شیوه دیگری روی آورد. وی بسلاوه تاکید میکند که از موشکهای برد کوتاه نمیتوان در هیچ شرایطی صرف نظر کرد. معنی این حرف نیز با توجه به امکان جلب آلمان به موضع آمریکا این است که فعلاً موشکهای مدرنی ساخت میشود، در اصول می پذیریم که در سه راه آنها مذاکره کنیم - آنها هم به این دلیل که دولت دست راستی کهیل نتواننده مردم بگوید که من موضع خود را هنوز دارم - اما حاضر به برچیدن آنها در هیچ شرایطی نیستیم. به زبان دیگر

جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در نطقی در مقابل فارغ التحصیلان دنا نشگاه تگزاس در هوستون به تشریح سیاست این کشور در مورد بلوک سوسیالیستی پرداخت. وی گفت که امیدوار است که گوربا چف در رفرمهای جاری به موفقیت دست یابد و پیشنهادت نمود که در صورت اعطای اجازه مسافرت به یهودیان شوروی، آمریکا حاضر است به برطرف کردن مواضع موجود بر سر راه مبادلات تجاری دو کشور بپردازد. در مورد مسئله خلع سلاح، وی هیچگونه پیشنهادت دوا بتکار جدیدی را عنوان ننموده و تنها پیشنهادت نمود که آمریکا و شوروی در مورد کنترل حریم هوایی دو کشور توسط هواپیما های جاسوسی به توافق برسند. این پیشنهادت دوا بتکار در هر گونه استکار بر برای صلح و خلع سلاح از سوی آمریکا، توسط مطبوعات غربی مورد انتقاد شدیدی قرار گرفته است. این مطبوعات در انتقاد خود دخیال میکنند که غرب و سبزه آمریکا بخوبی نشان میدهند که تمایل جدی به خلع سلاح و عادی سازی مناسبات با شوروی ندارد.



در مقابل تاکتیک های شوروی، ما سیاست مذاکره طولانی و بی نتیجه را اتخاذ میکنیم و ما تا وقتی که "دمکراسی" در شرق اروپا برقرار نشود، نمیتوان با این کشورها مناسبات عادی داشت. این جوهر سیاست راست هاست و البته این سیاست به سختی نشان موفقیت خواهد داشت، زیرا تعادل قوا در غالب کشورهای غربی به نحوی است که تا خریدار تحسی سیاست روشن در قبال پیشنهادت شوروی و قبول عملی خلع سلاح، به معنی قرار دادن در طرف بازنده است. اینرا دولت آلمان بخوبی تجربه نموده و ما بر دول دست راستی هارنیز دیر بازود مجبور به پذیرش آن خواهند شد.

از صفحه ۱۱

مصاحبه با نما ینده ANC

وظایف خانه بر سرند و بچه ها را بزرگ کنند و زبانی باشند تا بتوانند یک همسر نمونه قلمداد شوند و زنان برای اینکه همسران وزنا تی نمونه باشند می بایست ملایم می بودند و نه خشن، می باست همواره ظاهری آراسته پیدا کنند اما مبارزه امروزه زنانی احتجاج دارده که قوی باشند. البته زن انقلابی بودن به این معنا نیست که نباید زیبا بود، زنان ما هم زیبا قوی هستند، ما در آن ما امروزه هنگامی که همسران خود را در مبارزه از دست میدهند فحش می زنند، زبانی میکنند که آنها یک قهرمان را از دست داده اند، آنها مبارزه را مقصر قلمداد می کنند. زنان ما امروزه

بسیار قوی هستند.

ما ضرب المثلی داریم که میگوید: "زنان را با خود داری، صخره را با خود داری!" و رژیم نیز این امر را در یافته است.

س: با توجه به کشتارهای اخیر در ایران آیا بیایم برای مبارزان راه آزادی در ایران داریم؟
ج: وقتی شاه سرنگون شد ما بسیار خوشحال شدیم و نوید ایرانی نوین، ایرانی که در آن دمکراسی، آزادی و احترام به انسان خواهد بود را به خود دادیم.

منافسانه اطلاعات و اخبار نشان میدهند که نه تنها انتظارات ما تحقق پیدا نکرد بلکه بسیاری از اعمالی که شاه مرتکب آن میشد اغلب حتی با شدت بیشتری تکرار میشوند. در حال حاضر مشکلات بزرگی در راه آزادی نهائی مردم ایران وجود دارند. ما

علاقتمند هستیم که ایران را بحای کشتار بیسیاری از مردم در راه تا مین آزادی مردم خود ببینیم! ایران کشوری است که بتا نسلی آترادارده که تبدیل به کشوری قدرتمند از نظر اقتصادی، صنعتی و حتی نظامی شود. ایران این امکان را دارد که از این نیرو به نفع ایرانیان و البته همه بشریت استفاده کند. با بد از این بتا نسلی بنفع ایرانیان و توسعه کشور بجای قلع و قمع مردم در خبا نها و نیروهای مترقی، استفاده گردد! ما به انتظا روزی هستیم که نیروهای مترقی قدرت را در ایران بدست گرفته، شرایطی بوجود آورند که هر ایرانی بتواند خود را در خانه خود احساس کند.

از طرف سازمان کارگران انقلابی ایران از شما برای قبول این مصاحبه تشکر میکنم!

بایان

چین

تظاهرات دانشجویان چینی بخاطر فرمهای دموکراتیک در این کشور، در طول مسافرت گوربا چف به چین ادامه یافته و با پیوستن وسیع روشنفکران، کارمندان و کارگران بنه آن ابعادی تازه یافته است. مقامات حزبی و دولتی چین نیز پس از آنکه نتوانستند دانشجویان را به تفرک تظاهرات و نیز شکستن اعتصاب غذای چند هزار نفره در میدان صلح آسمانی "پکن" وادار کنند، در ایستادن شپرو حکومت نظامی اعلام نمودند، بدون اینکه اترش اقدامی علیه تظاهرات کنندگان بعمل آورد. ظاهراً دولت سیاست آرام سازی تدریجی اوضاع را در پیش گرفته است. دانشجویان معترض که به اعتصاب غذای خود پایان دادند، همچنان خواستار مناظره تلویزیونی با مقامات دولتی در مسوورد خواسته های خود که شامل آزادیهای سیاسی و بویژه آزادی مطبوعات و لغو سانسور می شود هستند. آنها ضمن حمایت از سیستم سوسیالیستی خواهان مبارزه با فساد در دستگاه دولتی شده اند.

مسافرت میخائیل گوربا چف به چین که طی آن دیدارهایی با مقامات دولتی و حزبی چین و از جمله با دنگ شیا شوپینگ رهبر این کشور صورت گرفت، اولین دیدار رسمی رهبران دو کشور بزرگ سوسیالیستی پس از سه دهه بود. با این مسافرت، رابطه عادی بین دو کشور و احزاب کمونیست حاکم در آنها برقرار شده و در عین حال طرفین تا کید نموده اند که با این رابطه دیگر بصورت رابطه ای بین دو متحد، آنچنان که قبل از تیرگی روابط دو کشور وجود داشت، نخواهد بود. گوربا چف در دیدار خود موضوعات مهمی را با مقامات چین مورد مذاکره قرار داد که مهمترین آنها عبارتند از فرمهای سیاسی و اقتصادی دو کشور، مسئله کامیون و نیز مناسبات اقتصادی و بویژه بازرگانی و همکاریهای صنعتی در مناطق مسوورد. بر طبق گزارشات موجود، روابط اقتصادی دو کشور در زمینه صنایع سنگین، صنعت برق و نیز صنایع اتمی ارتقاء یافته و بعلاوه گسترش مبادلات تجاری در مناطق مرزی و ایجاد پروژه های صنعتی مشترک در سیبری و خاور دور و از جمله استفاده از کارگران چینی برای توسعه اقتصادی مناطق فوق مورد مذاکره قرار گرفته و در مورد آنها توافقات اصولی صورت گرفته است. بعلاوه همکاریهای فرهنگی و ارتباطاتی که در سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته اند همچنان ادامه و بهبود خواهد یافت.

پانام

پس از برگزاری انتخابات در پاناما که با نظارت گروهی از آسیا ستمداران آمریکا و از جمله جرالدفورد و جیمی کارتر انجام گرفت، احزاب دست راستی مورد حمایت آمریکا که به ادعای دولت در انتخابات شکست خورده اند، اعلام پیروزی نموده، و مودم را به تظاهرات و اعتصاب عمومی سیاسی دعوت نمودند. این تظاهرات توسط گروههای غیرنظامی

شوروی

اتحاد شوروی در طی دیدار جیمز بیکروز بر خا رجه آمریکا با این کشور پیشنها داد که جدیدی در مسوورد خلع سلاح به وی داده. بر طبق این پیشنها دانشوروی ضمن برجیدن تعداد ۵۰۰ کلاهک هسته ای بصورت یکجا نیه، حاضر است با کشورهای ناتو در مسوورد رسیدن به توان رزمی غیرهسته ای برابر، تا سال ۱۹۹۲ مذاکره کند. شوروی خواهان آن است که نیروهای غیرهسته ای دو بیسان به حد ۱/۳۵ میلیون سربا زبیر خوردار از تعداد دسماوی تسلیحات نظامی تقلیل یافته و بعلاوه طرفین در مورد برجیدن کلیه موشکهای با برد کوتاه در اروپا مذاکره کنند. از سوی دیگر سفیر شوروی در آلمان راجع به سیاست ناتو در مورد مدرنیزه کردن موشکهای فوق که با مخالفت دولت آلمان روبروست هشدار داده و آن را اقدامی در جهت عکس روند صلح و عادی سازی روابط خوانده.

در یک گرد هم آشی بزرگ در مکو که توسط سوبیس بلت زین و باره ای از شخصتهای سرشناس طرفدار فرمهای رادیکال دموکراتیک در مسوورد برگزار شده بود، گروهی از نمایندگان شورای اتحاد شوروی به طرح پلاتفرم خود در مورد کار این شورا پرداختند. بر طبق نظراین نمایندگان، ایحادیک مجلس قانون گذاری دائمی که توسط احزاب مشترک شوروی اتحاد شوروی و شورای خلقها انتخاب میشود، به نفع شتاب دادن به روند دمکراتیزاسیون سیستم بلت زین در خترانی خود خواهان انتخاب بگ دفتر سیاسی جدید از سوی کمیته مرکزی حزب و معمول داشتن اقدامات فوری برای مقابله با فساد در بوروکراتها و با فساد دستگاه اداری شوروی شد.

اسرائیل

بدنبال اعلام پیشنها صلح دولت اسرائیل به مردم فلسطین که طبق آن، انتخابات در مناطقی اشغالی با هدف ایحاد خودگردانی محدود میتواند برگزار شود، ارتش اسرائیل به محاصره کامل نوار غزه پرداخته و کلیه اعراب ساکن این منطقه را از اقامت و کار در اسرائیل منع نمود. تا کنون درگیریهای شدیدی در این منطقه بوقوع پیوسته که به کشته شدن یک سربا ز اسرائیلی و چندین زمنده فلسطینی منجر شده است. بر طبق گزارشات موجود، نیروهای اسلامی بنیادگرا در فلسطین اشغالی در جریان اعتراضات توده ای دورا خیر نقش فعالی ایفاء نموده اند.

اخبار کوتاه

جاسمه عرب، مصرا رسما به عضویت مجدد خود پذیرفت.

هند اقدام به آزمایش موفقیت آمیز یک موشک بالیستیک میان برد نمود.

آلودتای نظامی در اتیوپی شکست خورد. بخشی از کودتاچان در منطقه اریتره همچنان با ارتش در حال جنگ هستند.

دیرکل حزب دست راستی اتحادیه دمکرات مسیحی آلمان اعلام نمود که این حزب با حزب نشوفاشیستی جمهوریخواهان در هیچ سطحی به ائتلاف نخواهد پرداخت.

شوروی اعلام نمود که بزودی نیروهای نظامی خود را در مناطق همجوار با جمهوری خلق چین به حد نیروهای مرزی معمول کاهش خواهد داد.

گوربا چف در نامه ای به رئیس جمهور آمریکا به وی اطلاع داد که شوروی در سال جاری از ارسال کمکهای نظامی به نیکاراگوئه خودداری کرده است.

دانیل ارتگا اعلام نمود که شوروی در قبال نیکاراگوئه همچنان به کلیه تعهدات خود وفا دارمانده است. کمکهای اقتصادی شوروی به این کشور به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار در سال و کمکهای نظامی آن به میزان ۳۰۰ میلیون دلار از یابی میشوند.

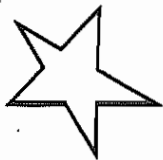
سازمان آزادیبخش فلسطین طرح صلح اسرائیل را بعلت خودداری از رسمیت شناختن حقوق اساسی خلق فلسطین و از جمله حق تشکیل دولت مستقل رد نمود.

شورای خلق جمهوریهای شوروی استونی، لیتونی و لیتوانی در بنیه مشترکی خواهان استقلال اقتصادی، خودمختاری سیاسی فدرالیستی و تشکیل دادگاه برای بررسی جنایاتی که بر علیه خلقهای جمهوری در دوره استالین شده است، شدند.

در انتخابات ریاست جمهوری در آرژانتین، کاندیدای بیرونیست ها، آقای کارلوس منیم برنده شد.

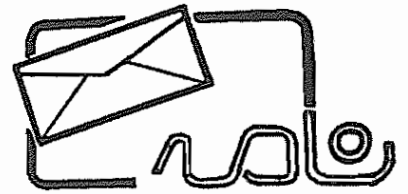
حکلات نظامی چریکهای جبهه فارتو در بونوما رتی در آلسا لوادرشده شد و تلفات سنگینی به نیروهای دولتی وارد آمده است.

کارگران زغال سنگ آلمان طی اعتراضاتی مخالفت خود را با پذیرش سیاست سازا مشترک از سوی این کشور در مورد کاهش تولید زغال سنگ، اعلام نمودند.



برقرار رکنند. این دولت نیز پس از اعتراضات شدید اپوزیسیون در مورد تقلبات انتخاباتی، آنرا باطل کرد. دولت دیکتاتوری ژنرال نوریگا دولت آمریکا را به دخالت در امور داخلی خود به هدف روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده که قرار داد مربوط به سپردن اداره کانال پاناما به این کشور را لغو کند، متهم کرده است.

طرفدار دولت موردهمله قر! گرفت و متعاقب آن دولت آمریکا با خارج کردن سفیر خود از این کشور، انتقال اتباع خود به پایگاههای نظامی مستقر در منطقه کانال، چندین هزار نیروی تازه نفس وارد پاناما نمود. از سوی دیگر کنفرانس وزاری خارجه سازمان کشورهای آمریکا طی در نشست خود دولت پاناما را محکوم کرده و از وی خواست که در این کشور دمکراسی



الف - کورسو

دوسروده تان - سنگی درجا و جهان آزاد - به دستمان رسید.

سروده های شما بسادگی و درنگاه نخست ، اشعار زنده سادسیراب سپهری راه ذهن متبادر میکنند. همزیانی با اشعار یکی از شاعران ماحسب سبک ایران ، بود مورد شما - انطباقی زبان با زبان سپهری ، اگر به بیان مفاهیم تازه کمک کند ، نه تنها تقلیدی محتوا نیست ، بل گسترش و تکامل سبک و زبان مربوطه نیز هست . سروده های شما نشان میدهد که در تلاش برای مفاهیم تازه در قالب زبان سپهری روند موفق راطی کرده اید ، درست به همین دلیل ما پیدای وسواس بیشتری بر سروده های شما متمرکز شویم . وسواسی که قطعاً برای رفع سکتها می باشد . روانی زبان این شعرها لطمه میزند ، ضروری است . سکتها می مانند : تگه مشکوکی ، موج نا ناوری و شک / موج درید شما بود ، که ما سبیلی زد . / سکتها " که در سطر آخر ، کا ملا آشکار است) ، و همسنگونه است : غصه تان ، / غصه / نخت است و رقاست در ساز / (با سکتی " در ") ، و نیز عباراتی مانند : این شریعت ... سی اعدام ، این شریعت ... بی زندانی ، که کا ملا ز زبان روان شعر شما بیگانه است . علاوه بر اینها ، خوب است اگر زبان سپهری راه عارضت گرفته اید از عارضت گیری عین تما ویرا اشعار او - هر چند بی بندرت - خودداری کنید . ورنه حاصل جز تکرار سروده های دیگران نیست : منزل که جا وید

شما / آب و جا روشده ، آما دست / در سر کوجه نا دانسی ، / درخیا بان جهانت ، / چندان قدم ما نده به میدان فریب ، / در شهر دروغ /

آینوی موفقیت بیشتری برایتان داریم و منتظر دریافت سروده های شما هستیم .

س . آگاه

دوشعر " اگر میخواهی شعرم را بخاطر سپاری " و " پیش از آنکه تیر ما را نمکنند " را دریافت کردیم . از شعر " پیش از آنکه تیر ما را نمکنند " در صفحات پیام کارگر ، استفاده خواهد کرد . موفق باشید .

سپهر :

مقاله ای " ایران - از ستایش رقاصه کسان لعنت میشود " بدستمان رسید ، ترانه خوانی که کا رهایشان مورد تقدیر قرار گرفته ، اگر چه اکثراً تجسم فدا رزهای هنری در عرصه تصنیف خوانی و موسیقی ایرانی اند اما فراموش نکنیم که هم اینها نفوذ وسیع و غیر قابل انکاری در میان جوانان و نوجوانان ما در خارج و داخل کشور دارند و پس ، نقد کارهای آنها بر خورد بسیار ظریف و سنجیده ای را می طلبد که متأسفانه مقاله ای شما فاقد آن است . اثر بخشی نقدهای در این عرصه ، اگر بر طرفداران یا شنوندگان این ترانه ها و آوازه ها نشاند ، به نتیجه منفی خواهد داشت ، با سبب این مخاطب نا معلوم گفشتن است و بی نتیجه خواهد بود . سعی نوان در هوای جز هوای واقعی مردم نفیس کشید (حتی اگر به هدف افشای بویناکی این هوا باشد) و با مردم حرف زد و اعتماد آنان را به صحبت گفته های خود جلب کرد .

- رفقا و دوستان : ما زندگانی ، ایران نورگه ، مردوس ، طولان ، پیام ، م ، پناه ، شعرها و مطالب ارسالتان را دریافت کردیم .

آلمان فدرال و نیکاراگوا : تروریسم اقتصاد می!

تن از افراد کا رد ملی سوموزا که در زندانها پیش بودند ، ۱۹۰۰ تن را آزاد نمود و فقط ۱۲ تن از شکنجه گران کا رد سوموزا در زندانها پیش ، سربسرنسند . نیکاراگوائی که تنها توفان و گردباد ۸۴۰ میلیون دلار به آن خسارت وارد ساخت و جنگ نیز تا کنون ۱۲/۳ میلیار دلار برای آنها هزینه برداشته است . و این در حالیست که در آلمان نیکاراگوشه از راه صادرات ۲۶۷ میلیون دلار میبشد! و اکنون نیز ۷ میلیار دلار بدهی خارجی دارد .

آنگونه که آورتگا " نیز مورد تأیید قرار داده است ، اگر کمکیای کشورهای سوسیالیستی ، بوسژه کوما و آلمان دمکراتیک نبود ، نیکاراگوشه با مشکلات جدی تری روبرو میشد ."

دولت آلمان غربی ، همچون بسیاری از کشورهای سرمایه داری ، حتی یک مارک هم به نیکاراگوشه کمک مالی نکرده و نمی کند ، چرا که به گفته صدراعظم آلمان غربی آقای " هلموت کهل " تحریم اقتصادی نیکاراگوشه در رابطه با ما من حق " عادلانه " و " برابر " در آن کشور موثر خواهد افتاد . این اظهارات را آقای کهل در سفر سه روزه ای دانیل آورتگا ، رهبر نیکاراگوشه که در تاریخ ۶ تا ۹ ماه مه به آلمان غربی صورت گرفت ، ایراد نمود . مخالفین تحریم اقتصاد " آفریقای جنوبی " ، باری رمان به دست راستی های السالوا دوروشیلی و میسیونستیا ، کار - سرچنین سلاحی را برای " دمکراتیک کردن نیکاراگوشه - یعنی بازگشت به دوران سوموزای حنا بتکارا - تجویز میکنند ، نیکاراگوائی که از نزدیک به دوهزار

کی به کیسه ؟

" در سال گذشته خبرنگار کیهان در شهر سراز - جان توسط ناسندی آدم را که متأسفانه از سوی یکی از مسئولان محلی حمایت میشدند ، برنده و ب - خوراندن هم کشته بوی ، در بیابان اطراف شهرها شد که بطور اتفاقی و معجزه آسا توسط یک رهگذار زمرک نجات یافت ، با ندمخوف مذکور تا آنجا قدرت داشت که برای محو آثار جرم ، سم بیرون آورده شده ! از معاش و احشاء خبرنگار را از مرکز پزشکی قانونی سراز جان ربود . " (کیهان ۳ فروردین ۶۸)

اخراج ۲۰۰ کارگر از شرکت پردیس کرج

شرکت پردیس کرج که از عمده تولیدات ماشین کنندگان مرغ و تخم مرغ تهران است و روزانه ۱۶۰ تن مرغ در ۲ شیفت کشتا رنموده و بسته بندی و تحویل با زار میدهد ، توسط بانک کشاورزی و صنعت و معدن منحل و ۲۰۰ کارگر آن اخراج شدند .

کارگران اخراجی روز سیزدهم اردیبهشت با اجتماع در اداره کار کرج به این امر اعتراض و خواستار رسیدگی به آن شدند . در بین کارگران تعدادی بیش از ۲۶ سال سابقه کار دارند .

یکی از مسئولین شرکت به خبرنگار کیهان ، علت تعطیل شرکت را ضرورتی اعلام کرده است . کارگران میگویند علت فرودرسه مدیریت شفته است و مثال می آورند که تنها ۹ میلیون تومان سود شرکت را یکی از مسئولین سرفقت و به خارج کشور گریخته است .

در طول عمر رژیم این اولین شرکت و کارخانه ای نیست که شطبل و کارگران آن بیکار میگرددند . در جریان سیاست فدکا رگری رژیم ، هر روزه صدها کارگری که میگردند که نمونه بالا تنها یک گوشه آن است .

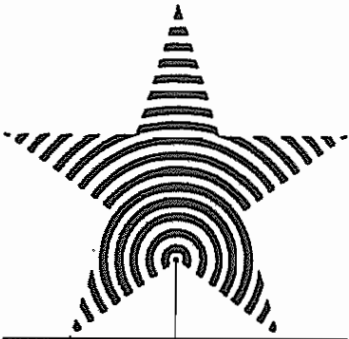
- حیثی معاون درآمدهای مالیاتی وزارت امور اقتصاد و وزارتای آمارهای زیر را ارائه میدهد :

" ۴۰ درصد از مردم که دریا شین ترین گروه اجتماعی هستند ما لک ۲/۹۷ درصد از را شیا هستند . ۴۰ درصد دیگر از مردم ۲۲/۱۸ درصد از این را شیا را دارند ، ۲۰ درصد بالای جامعه ما لک ۷۴/۸۵ درصد از شروتهای جامعه در این محدوده آما ری هستند . جالبتر اینکه ۲۰ درصد آخری را اگر گرد بکنیم ، یک نکته قابل توجه تر است که ۱۰ درصد اول ۱۱/۶۸ درصد - ۱۰ درصد دومی - ۶۳/۱۷ درصد از را شیا را در اختیار دارند و در جای دیگر اینکه ۱۰ درصد از این ۱۰ درصد ما لک ۲۱/۱۸ درصد از این را شیا شده اند ! یعنی درست معادل گروه دوم ."

سزنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

برلین:

راهپیمائی در اعتراض به قتل یک جوان ترک بدست فاشیستها



صدای کارگر

راهپیمائی سازمان کارگران انقلابی ایران در راه کارگر

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود. این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.

★ جمعه های برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگرویزه کردستان:

★ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد. ★ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود.



جمعه ۲۲ ماه مه، سار دیگر فاشیستهای برلین غربی یکی از اتباع خارجی را به قتل رساندند. او فوک شامین ۲۵ ساله، اهل ترکیه، در محله ای در برلین غربی به ضرب چاقوی یک آلمانی مقتول میرسد. شاهد عینی قتل می گوید:

"در شامین جوان آلمانی و دوست دخترش بهنگام عبور از پل برافوک فوک در زدند که "با حضور خارجی ها ما امنیت نداریم"، "خارجی با بدبودکم شود، آلمان مال آلمانی هاست و...". اما او فوک تنها عکس العملش این بود که به جوان آلمانی بگوید: "ما همانسان هستیم و تو از ما چه میخواهی؟" اما جوان آلمانی در پاسخ به او فوک چاقوی از حیب بیرون آورد و ضربه ای به او فوک زد که سبب قتل او گردید."

پلیس برلین غربی - که در مدتی از آنان عضو جریا نهایی فاشیستی هستند - اعلام نموده است که قتل با انگیزه ضد خارجی بودن رخ نداده است. اما طبق اطلاع ما در شده در برلین، "در شامین در خانه خود سلاح نگهداری میکرد و گاه نیز با جوانان همکار خود برای تمرین تیراندازی به جنگل میرفت، او حتی بارها از بیلکن خانه اش، با تفنگ بادی سوی بجهت های ترک نشانه گیری کرده و به آنها شلیک نموده است."

از او فوک شامین، همسرویک فرزند دوساله باقی ماند. در اعتراض به این جنایت فاشیستی روز شنبه ۲۳ مه تظاهرات بزرگی در برلین غربی برپا شد.

اطلاعیه مطبوعاتی...

دیکتاتور ایران مرد، مردی که چهره اصلی سرکوب و ستم بر مردم ایران بود مرد، ما سیستم قرون وسطائی او هنوز با برجاسته ایران به بیشترین حد دیکراسی نیاز دارد، اما تا زمانی که رژیم خمینی با برجاسته این غیر ممکن است ما از مردم ایران میخواهیم که نقش اساسی خود را در برپائی دیکراسی و آزادی از طریق سرنگونی این رژیم ایفا نمایند.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - روابط عمومی

۱۳۶۸/۳/۱۴

خبر مرگ خمینی را در آخرین لحظاتی که نشریه زیر چاپ بود دریافت کردیم، از همین رو مبادرت به درج اطلاعیه مطبوعاتی روابط عمومی سازمان نمودیم.

برای سفارش یا اشتراکات
ارتباط در کشورها، به شماره و تلفن زیر
۱۳۶۸/۳/۱۴
سازمان کارگران انقلابی ایران
مکان: سازمان کارگران انقلابی ایران
تلفن: ۱۳۶۸/۳/۱۴
تلفن: ۱۳۶۸/۳/۱۴

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE
POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

با پیام کارگر همکاری کنید!